

رابطه حضور در فضای مجازی و هویت مدرن پژوهشی در بین کاربران اینترنتی جوان ایرانی*

محمدسعید ذکایی**

فاخره خطیبی***

تاریخ دریافت: ۸۲/۹/۲۳

تاریخ پذیرش: ۸۵/۵/۲۵

چکیده

حضور در فضای مجازی و استفاده از آن، خصوصاً در کلان شهرهای در حال گذار جهان سومی ما، چه با انگیزه‌های حرفه‌ای باشد چه با انگیزه‌های فراغتی، چه مداوم و پیوسته باشد و چه حاشیه‌ای و مقطعی، بنا به ویژگی‌ها، خصوصیات، امکانات و کارکردهای خاص این فضا، تأثیرات عمیقی بر جنبه‌های متفاوت هویت و به تبع آن، بر

** - پژوهش فوق با همکاری و حمایت مالی شورای عالی اطلاع رسانی در سال تحصیلی ۸۳-۸۴ انجام گرفته است.

*** استادیارگروه مطالعات فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی.

**** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی.

سبک زندگی کاربران ایرانی، خصوصاً جوانان که بزرگ‌ترین طیف مخاطبان و فعالان این فضا هستند، خواهد گذاشت. درحقیقت، کاربران ایرانی با توجه به ساختارهای عینی و ذهنی موجود در جهان واقعی شان و بنا به نوع و میزان استفاده‌شان از اینترنت، طیف گسترده‌ای از تأثیرات و تغییرات را به طور تدریجی پذیرا می‌شوند. در مقاله حاضر به طور مشخص ما در پی بررسی و مطالعه برخی از تأثیرات اجتماعی حضور در فضای مجازی و استفاده از اینترنت به مثابه یکی از تکنولوژی‌های جدید ارتباطی بر هویت کاربران ایرانی، خصوصاً کاربران جوان هستیم. یافته‌های حاصل از پیمایش در بین ۳۰۵ نفر از کاربران ایرانی حاکی از آن است که حضور در فضای مجازی و استفاده از اینترنت باعث شکل‌گیری و تقویت هویت مدرن در بین کاربران ایرانی، خصوصاً کاربران جوان می‌شود. به همان‌سان، میزان دست‌یابی به هویت مدرن در فضای مجازی نیز خود، تابعی از میزان مصرف، نوع مصرف و نحوه ارائه و مدیریت خود کاربر ایرانی در فضای مجازی است.

واژه‌های کلیدی: هویت فردی، هویت مدرن، فضای مجازی، ارایه و مدیریت خود، بازاریابی، ازجاکنندگی، تکنولوژی‌های جدید اطلاعاتی ارتباطی، بیم، اعتماد

طرح مسئله

فضای مجازی (cyberspace) در حقیقت نوعی فرافضا و فضای ذهن است (کاستلز، ۱۳۸۴)، فضایی است که همه جا هست اما هیچ کجا نیست، فضایی است که در پرتوی در دسترس قرار دادن اطلاعات وسیع و سریع، به فرد قدرت نمادین بیشتر و امنیت روانی گسترده‌تری می‌بخشد؛ اما در همان حال او را وابسته‌تر، بی‌قدرت‌تر و مضطرب‌تر از پیش می‌کند. فضای سیال و بی‌حدودی است که به سادگی، همیشه در دسترس همگان است اما به همان سادگی که ایجاد می‌شود، از بین رفته، محو می‌شود. فضایی است که در پرتوی تسهیل شرایط تعامل اجتماعی (social interaction)، توافق اجتماعی عمیق‌تر و یکپارچگی اجتماعی فراخ‌تری را ایجاد می‌کند اما باز در همان حال

از زاویه‌ای دیگر به سبب کارکردهای خصوصی و منحصراً فردیش، تمایز و انزوای اجتماعی را گسترش می‌دهد. فضایی است که به واسطه عدم حضور نشانه‌های فیزیکی، همه در آن بی جسم، بی مکان و متعاقباً قدری گمنام و به طرز محسوسی کنترل ناپذیرند و در عین حال به واسطه خصوصیات و چارچوب‌های مستحکم تکنولوژیکی آن، بشدت تحت کنترل ساختارهای بی‌شمار مری و نامریی موجود در این فضا هستند؛ فضایی است که از سویی تقویت‌کننده هویت‌های ملی و محلی است و از سویی دیگر تضعیف‌کننده آن‌ها و مروج هویتی جهانی و فرامحلی. فضایی است که از سویی ترویج دهنده سبک زندگی استاندارد یا بهتر بگوییم نیمه استاندارد و از پیش تعیین شده است و از سویی دیگر مروج سبک‌های مختلف و متعدد زندگی. فضایی است که فاقد وجود عینی، واقعی و فیزیکی است اما در نهایت قادر به ایجاد تغییراتی عمیق در ساختار عینی و ذهنی جوامع بشری معاصر است. این‌ها و بسیاری دیگر از دوگانگی‌های متناقض عصر مدرن آشکارا از خصوصیات ذاتی و اصلی جهان مجازی؛ جهانی روبه‌گسترش در کنار جهان واقعی کنش‌های روزمره است. فضای مجازی عنوانی برای دنیایی کم‌سابقه و نوظهور در عصر پیدایش و گسترش رسانه‌های جدید ارتباطی است، که بیش از دو دهه نیز از رواج آن در جهان نمی‌گذرد. این مفهوم اشاره به وجود جهانی دارد که در پی پیدایی منابع ارتباطی - اطلاعاتی متعدد از طریق شبکه‌های به هم پیوسته رایانه‌ای به جود آمده است. می‌توان فضای مجازی را جهان ارتباط متقابل رایانه‌ها و جامعه حاصل از این ارتباط‌ها دانست.

امروزه بسیاری از اندیشمندان بر این نظرند که در پی به وجود آمدن رسانه‌های ارتباطی جدید با ظرفیت‌های متفاوت، خصوصاً رسانه‌های دوجانبه، تعاملی و چندرسانه‌ای (multi media)، ترکیب صدا، تصویر و متن همزمان، انقلابی ارتباطی در جهان به وقوع پیوسته است. در این چنین جهانی، فضای مجازی و اینترنت به عنوان جزء لاینفک و اصلی آن و به مثابه رسانه‌ای مدرن، دارای خصوصیات ویژه‌ای است که آن را از سایر رسانه‌ها و فضاها ارتباطی - اطلاعاتی عصر مدرن متمایز می‌کند. به

جرأت می‌توان گفت که اینترنت کامل‌ترین و گسترده‌ترین منبع اطلاعاتی‌ای است که تاکنون توسط بشر خلق شده و مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. اینترنت فقط مجموعه به هم پیوسته‌ای از رایانه‌ها نیست بلکه به راستی فضایی فراتر از آن و پیونددهنده جهان‌های زندگی و عاملان اجتماعی است. فضایی است برای ارتباط اذهان و خودهای متعدد بدون حضور جسم و عواقب ناشی از آن، فضای اطلاعات و اشخاص از جاکنده شده، سیار و خانه‌به‌دوش. فضایی که در آن بسته به میزان سرمایه اقتصادی و فرهنگی ما، دریچه‌های تازه‌ای از جهان به رویمان گشوده می‌شود. اینترنت به عنوان پدیده‌ای تکنولوژیک با ابعاد وسیع فنی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره، توانایی و امکانات مخصوصی را برای هر فرد کاربر فراهم می‌کند. توانایی‌هایی از قبیل:

الف- امکان تعامل اجتماعی همزمان (برای مثال اتاق‌های گفت‌وگو) یا غیرهمزمان (مانند نامه‌های الکترونیکی، صفحات وب و غیره) با معاصران در دسترس و دور از دسترس و دستیابی به تمام اشکال ارتباطی (یک فرد با یک فرد مشخص، یک فرد با خودش، یک فرد با هرکس و یک فرد با هیچ‌کس)؛ ب- امکان فراروی از محدودیت‌های زمان و مکان و یکپارچه کردن فضاها از لحاظ جغرافیایی پراکنده؛ ج- امکان آشنایی با جریان‌های متعدد، سبک‌های متفاوت زندگی، تجربه جهانی زندگی کردن لاقفل در فضایی مجازی و متعاقباً کم‌رنگ کردن تفاوت‌های محلی و قومی از سویی و درعین حال تقویت هویت‌های قومی و منطقه‌ای در پرتو افزایش کمی و کیفی ارتباطات مجازی و در پاره‌ای موارد ارتباطات غیرمجازی بین افراد پراکنده و در نتیجه تقویت یکپارچگی اجتماعی بین آنان از سویی دیگر؛ د- اعطای امکان فراروی از مرزهای سنتی موجود در جهان واقعی و متعاقباً احساس نوعی آرامش، امنیت و آسودگی روانی ناشی از کاهش فشار اهرم‌های کنترل اجتماعی (برخی هنجارهای رسمی و غیررسمی) و هم‌چنین دستیابی به آرامشی نسبی به دنبال امکان گمنام بودن و گمنام ماندن، در نتیجه کم‌رنگ شدن نقش نابرابری‌های موجود در جهان واقعی مانند

نابرابری‌های جنسیتی، طبقاتی و غیره؛ ه- امکان ادغام حوزه خصوصی و عمومی و محوکردن مرز بین این دو حوزه؛ و- مهم‌تر از تمام امکانات و کارکردهایی که تاکنون مطرح شد، امکان دیدن بازتاب خود در ارتباط با دیگران و مواجهه با فضاهای متعدد، در نتیجه جرح و تعدیل و بازنگری در هویت فردی و جمعی.

البته بدیهی است خصوصاتی که برشمردیم تمامی امکانات و خصوصیات این فضا را در بر ندارد بلکه تنها‌گزینشی نسبتاً ناقص و خوش‌بینانه از امکاناتی است که اینترنت برای شهروندان شبکه فراهم می‌کند و باز روشن است که این امکانات در تمامی زمان‌ها و جوامع برای کاربران به طور یکسانی در دسترس نیست. نحوه به کارگیری اینترنت نیز مانند سایر تکنولوژی‌های ارتباطی متأثر از محیط اجتماعی و مادی به کار گرفته شده در آن است، و بنا به مقتضیات محیط، کارکردهای متفاوت و متنوع و نوینی را برعهده می‌گیرد.

باتوجه به ویژگی‌های مذکور پرسش اصلی در این جاست که حضور در این فضا چه به طور مستمر و جدی و چه پراکنده و مقطعی چه تأثیرات روانی-اجتماعی بر کاربران خواهد گذاشت و این تأثیرات هویت جوان ایرانی را به کدامین سو سوق خواهد داد؟ اینترنت در ایران به علت کم‌رنگ بودن کارکردهای اقتصادی و تجاری آن، فضایی بیش‌تر با رنگ و بوی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است. کاربران ایرانی خصوصاً جوانان به علت موانع و محدودیت‌های موجود در شرایط عینی و ذهنی زندگی خود و در راستای فرار از فشارهای الزام‌آور هنجارهای اجتماعی موجود و در جهت گسترش تعاملات اجتماعی با دیگرانی که امکان برقراری کنش متقابل با آنان در دنیای واقعی بسیار نادر یا پرهزینه (چه از لحاظ اجتماعی، سیاسی یا حتی اقتصادی) است، و در پی جبران فقدان جامعه مدنی گسترده، حوزه عمومی مستقل از دولت و کم‌رنگ بودن گستره مشارکت اجتماعی برای آنان در دنیای واقعی، و برای دستیابی و تأمین نیازهای مغفول مانده خود در دنیای واقعی، و به دنبال کسب تجربه‌های جدید و فرصت‌های بیش‌تر، به فضای مجازی روی می‌آورند و زیستن در این فضا را به طور حاشیه‌ای،

نیمه فعال یا فعال تجربه می‌کنند.^(۱)

اینترنت در کشور ما برای اکثر کاربران جوان فرصت تجربه واقعیت‌های دوردست یا غیردسترس را به ارمغان می‌آورد؛ امکان داشتن تعامل با جهان معاصران دور از دسترس، تجربه عضوی از جهان بودن، تجربه تولید اطلاعات جدید یا دستکاری اطلاعات موجود، خلق واقعیت‌های مخصوص به خود و غیره. در جریان تعاملات متعدد و گسترده در این فضا، افراد جنبه‌هایی ناشناخته از خود را کشف می‌کنند که در گذشته به علت نبودن شرایط مادی و غیرمادی لازم در فضای غیرمجازی قادر به تجربه آن نبودند. آنان به طور مجازی پدیده‌های بسیاری را تجربه می‌کنند که در جهان خارج، وجود و حضوری واقعی ندارد. در پاره‌ای موارد نیز با کشیده شدن دامنه این تجارب به دنیای واقعی، زندگی غیرمجازی افراد دگرگون می‌شود. تجربه زندگی در فضایی که همه چیز در آن سیال است، مواجهه با اطلاعاتی که به تدریج تصویر فرد را از خود، جهان پیرامون و سایرین تغییر می‌دهد، روابط اجتماعی او را دگرگون و دامنه تعاملات او را گسترده‌تر می‌کند. در پرتوی این تعاملات، امکان رسیدن به توافق اجتماعی مستحکم‌تر و پایدارتر ناشی از نزدیک شدن به شرایط آرمانی گفت‌وگو و کنش ارتباطی در جریان کم‌رنگ شدن نقش برخی نابرابری‌ها نیز، بیش‌تر می‌شود. مهم‌تر از همه این که فراوانی و کثرت مطالب، اطلاعات و تعاملات در اینترنت می‌تواند برای کاربران ابزار کشف سایر اشکال ممکن زندگی، دیدن زیست جهان‌های متفاوت و تجربه داشتن خودهای متفاوت و متعدد در یک زمان را فراهم کند. استقرار در این فضا افراد را قادر می‌سازد که به طور انتقادی درباره خودشان و شیوه زندگی‌شان و زندگی سایرین بیندیشند. این فضا همچنین باعث شکل‌گیری عقلانیت انتقادی در نزد آنان می‌شود و دیگری تعمیم‌یافته آنان را نیز متعاقباً تغییر می‌دهد. می‌توان گفت که حضور و مشارکت در این فضا در نهایت باعث می‌شود که افراد خود را در پرتوی آینه‌های متعددی

۱- در ایران طبق آخرین بررسی‌های اینترنتی، ۴۳۰۰۰۰۰ نفر کاربر وجود دارد که این تعداد ۶/۴ درصد جمعیت ایران را شامل می‌شود. www.internetworlds.com/statas4.htm

بینند. در این فضا خود به مانند و در پیروی از خود در تجربه مدرن «همچون ظرف شکسته‌ای نیست که باید تکه‌های بیشمارش را به هم پیوند داد بلکه در حکم ظرفی است که از قطعات بیشماری ساخته شده است که هرکدام از جایی آمده‌اند و به واحد دیگری تعلق دارند» (احمدی، ۱۳۸۰: ۴۸).

به نظر می‌رسد حضور در فضای مجازی برای کاربران جوان ایرانی بنا به خصوصیات عام (ویژگی‌های ذاتی و جهانی) و خاص (ویژه جامعه و ساخت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و شخصیتی ما) خود، موجب چنین هویت و خود مدرنی است که امکان دست‌یابی به آن در سایر حوزه‌ها اگر نگوییم ناممکن بلکه بسیار دشوار است. در مجموع می‌توان گفت که تجارب حاصل از حضور کاربر جوان ایرانی در فضای مجازی بسته به میزان عمق و وسعت این حضور، موجب بازاندیشی در هویت فردی کاربران جوان ایرانی و متزلزل‌شدن جدی فراروایت‌های موجود در اذهان آنان می‌شود و دست‌یابی به هویتی مدرن را به رغم شرایط موجود در زندگی آنان، برایشان فراهم می‌آورد. در پاره‌ای از موارد نیز با کشیده شدن دنباله و تبعات زیستن و تعامل در این فضا به دنیای واقعی هر روزه جوانان، سبک زندگی آنان نیز به طور ملموس و در سطحی انضمامی تغییر می‌کند.

چهارچوب مفهومی

تصویر ترسیمی ما از واقعیت اجتماعی مورد بررسی خود و روابط موجود بین متغیرهای مختلف آن در این پژوهش، نه حاصل نظریه‌ای خاص بلکه محصول مجموعه‌ای از نظریات و مفاهیم موجود در باب موضوع و مبتنی بر بسیاری از مشاهدات، گفت‌وگوها و مطالعات محققان در میدان است. با این همه، به این علت که اکثر مفاهیم به کارگرفته شده و مورد سنجش در باب ویژگی‌های جوامع مدرن کنونی و چگونگی هویت شخصی در عصر مدرن در این پژوهش از نظریات گیدنز و بک اخذ شده است، بخشی از چهارچوب مفهومی پژوهش را به توضیح و بررسی برخی

نظریات این دو نظریه پرداز اختصاص خواهیم داد. در مباحث مربوط به مفاهیم و نظریه های جامعه شناختی مرتبط به بررسی تأثیرات اجتماعی، حضور در فضای مجازی نیز از برایند برخی نظریات معتبر موجود در این باره همراه با بسیاری از مشاهدات میدانی بهره خواهیم جست. در ادامه ابتدا به توضیح مجمل برخی مفاهیم مربوط به هویت مدرن می پردازیم، و سپس شرح مختصری از نظریات مربوط به تأثیرات اجتماعی حضور در فضای مجازی در دوران را ارائه خواهیم داد.

مدرنیته کنونی و هویت مدرن

مدرنیته در ساده ترین صورت آن از نگاه گیدنز - همان طور که وی در پاسخ به پرسش کریستوفر پیرسون (Christofer Pierson) در کتاب *گفت و گوهای با گیدنز پیرامون معنای مدرنیته*^(۱) بیان می دارد - شکل مختصر شده تعبیر جامعه مدرن یا تمدن صنعتی است. «مدرنیته در این معنا مربوط می شود اولاً به مجموعه معینی از طرز تلقی ها نسبت به جهان و نسبت به ایده های جهان به عنوان جهانی آزاد برای تغییر به دست و با دخالت انسان؛ ثانیاً، نهادهای پیچیده، به ویژه تولید صنعتی و اقتصاد مبتنی بر بازار؛ ثالثاً حد معینی از نهادهای سیاسی، از جمله دولت - ملت و دموکراسی توده ای» (پیرسون، ۱۳۸۰: ۱۶۶). گیدنز معتقد است که نهادها و نظم مدرن از پدیده های مهم و گوناگون گسسته از مجموعه فرهنگ ها و شیوه های زندگی پیشامدرن هستند و از نظر شکلی نیز با تمام انواع نظم سنتی تفاوت دارند. گیدنز معتقد به وجود عدم استمرارهای معینی در مدرنیته است. وی معتقد است که عدم استمرارهای خاص یا مجموعه ای از عدم استمرارها با دوران مدرن همراهند. شیوه های زیستی ای که با مدرنیته پا به عرصه گیتی نهاد از نظر گیدنز از تمام انواع نظم های اجتماعی پیشا مدرن و سنتی به دورند. در مجموع، گیدنز مدرنیته را در پیوند با شش پدیده و مفهوم اصلی قرار می دهد. به علت اهمیت وافر این شش محور به طور

۱- این کتاب با همین عنوان به ترجمه علی اصغر سعیدی توسط نشر کوبر به چاپ رسیده است.

بسیار مختصر به آنان خواهیم پرداخت.

الف - مدرنیته و زمان و مکان

جدایی زمان از مکان بالاتر از هر چیز مستلزم گسترش بعد تهی زمان است، که هرم اصلی جداکردن مکان از محل نیز به شمار می‌رود. به عبارت دیگر تهی شدن زمان تا اندازه زیادی پیش شرط تهی شدن مکان است. گیدنز مفهوم محل را به محیط مادی فعالیت اجتماعی که به گونه‌ای جغرافیایی مشخص شده باشد، اطلاق می‌کند. در این معنا در جوامع پیشا مدرن، مکان و محل غالباً بر هم منطبق بودند، زیرا ابعاد مکانی زندگی اجتماعی برای بیشتر افراد و از بیشتر جهات، تحت چیرگی حضور یا تسلط فعالیت‌های محلی بود. پیدایش مدرنیته با تقویت روابط میان دیگران غایب، بیش از پیش مکان را از محل جدا ساخت، این دیگران از جهت محلی از هرگونه موقعیت کنش متقابل رودررو به دورند. گیدنز معتقد است که در دوران مدرنیته محل بیش از پیش توهمی می‌شود، یعنی موقعیت‌های محلی کاملاً تحت نفوذ و رخنه عوامل اجتماعی دور از خودشان در می‌آیند و به وسیله آنها شکل می‌گیرند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۲۲-۲۴؛ کسل، ۱۳۸۳: ۴۰۶-۴۰۴). «پیشرفت‌های شگفت‌آور فن‌آوری‌های ارتباطی در این دوران روند گسست مکان و فضا را به شدت شتاب می‌بخشد و رشته‌های پیوند زنده فضای اجتماعی با مکان و سرزمین معین را بیش از پیش پاره می‌کند. بدین ترتیب امر اجتماعی مدرن از دایره تنگ و محدود مکان رهایی می‌یابد و در فضایی بسیار فراخ گسترش پیدا می‌کند» (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۲۳۲). گیدنز جدایی زمان و مکان را دارای اهمیتی بنیادی برای پویایی شدید مدرنیته می‌داند. جدایی زمان و مکان از نظر وی شرط وقوع پدیده‌ای دیگر تحت عنوان از جاکنندگی (Disembedment) و در وهله بعد، بازجاگیری (Reembedment) است (گیدنز، ۱۳۷۸).

ب - مدرنیته و اعتماد

در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، مفهوم اعتماد به صورت اتکا یا اطمینان به نوعی کیفیت یا صفت یا یک شخص یا یک چیز، یا اطمینان به حقیقت یک گفته تعریف شده است. گیدنز نیز در کتاب *پیامدهای مدرنیته* توضیح مفهوم اعتماد را با همین تعریف آغاز می‌کند. از نظر وی اعتماد ناظر بر ارتباط بین اعتماد و غیبت در زمان و مکان است، اعتماد در دنیای مدرن کنونی از نظر گیدنز اساساً نه به مخاطره بلکه به احتمال وابسته است. در جهان امروز محیط‌های مخاطره‌آمیزی وجود دارد که به گونه‌ای جمعی بر توده‌هایی از افراد تأثیر می‌گذارد. در این معنا امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص مقابله شود یا به حداقل رسانده شده باشد. از این رو، تجربه امنیت به تعادل بین اعتماد و میزان ریسک قابل قبول بستگی دارد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۰-۴۴). گیدنز معتقد است که شرایط و روابط اعتماد در فرهنگ‌های پیشامدرن با روابط جهان مدرن، تضادهای بنیادی دارد. گیدنز معتقد است که در جوامع مدرن نیز همراه با رشد نهادهای اجتماعی مدرن، نوعی تعادل میان اعتماد و بیم و نیز امنیت و ترس برقرار شده است؛ اما از نظر وی عناصر عمده دخیل در این وضعیت با عناصر حاکم بر دوره پیشامدرن تفاوت بسیار دارد.

پ - مدرنیته و بیم (risk)

«مدرنیته یک فرهنگ مخاطره‌آمیز است، منظور از این قضیه این نیست که زندگی اجتماعی امروز در مقایسه با گذشته ذاتاً مخاطره‌آمیزتر شده است؛ زیرا در مورد بیش‌تر آدم‌ها زندگی چندان مخاطره‌آمیز نیست. مفهوم مخاطره یا ریسک بیش‌تر در خصوص نحوه سازماندهی جهان اجتماعی هم به وسیله کنشگران عادی و هم متخصصان فنی، به گونه‌ای بنیادین مطرح است. مدرنیته، مخاطره کلی در برخی حوزه‌ها و شیوه‌های زندگی را کاهش می‌دهد، ولی عوامل مخاطره‌آمیز جدیدی را مطرح می‌سازد که در دوران پیشین تقریباً یکسره ناشناخته بود» (ریتزر، ۱۳۷۷: ۷۷۳). جامعه‌شناس آلمانی

اولریش بک (Ulrich Beck) نیز مانند گیدنز معتقد به ورود به عصر پسا مدرن نیست و در عوض صحبت از صورت تازه‌ای از مدرنیته در جهان امروز می‌کند، از نظر وی دوره اولیه و کلاسیک مدرنیته مقارن با جامعه صنعتی بود، اما دوره نوین مدرنیته، جامعه صنعتی با ویژگی‌های خاص خود رادکنار نوعی دیگر از جامعه که او آن را جامعه مخاطره‌آمیز (risk society) می‌نامد، قرار داده است. بک در این باره از صورت نوپدیدگی از مدرنیته صحبت می‌کند که وی آن را مدرنیته بازاندیشانه یا تأملی می‌نامد (همان، ۱۳۷۷). بک مفهوم بیم و ابعاد آن در جهان مدرن کنونی را در زمینه دوروند یا پدیده دیگر مطرح می‌کند؛ نخست فرایند مدرنیزاسیون بازاندیشانه یا تأملی و دوم فرایند فردی شدن در جوامع مدرن کنونی.

مخلص کلام، همان طور که خود گیدنز به روشنی بیان می‌کند، این است که: «زندگی در جامعه‌ای بیم زده (به سان جامعه مدرن کنونی) به معنای زندگی با نگرشی حسابگرانه به امکانات آشکار کنش اعم از مثبت یا منفی است که ما با آن به صورت فردی یا در مقیاس جهانی به شیوه‌ای مستمر با هستی اجتماعی معاصر خودمان مواجه می‌شویم» (لاپتن، ۱۳۸۰: ۳۰۸) و گریزی نیز از آن نداریم.

ت - مدرنیته و بازتابندگی (Reflexivity)

گیدنز در پاسخ به پرسش پیرسون در باب چیستی ایده بازاندیشی یا بازتابندگی، این ایده را دارای دو معنی می‌داند که معنای نخست آن بسیار کلی و معنای دوم مختص زندگی مدرن است. در معنای کلی، می‌توان گفت که تمام مردم بازاندیش هستند، به این معنا که درباره چیزی فکر می‌کنند و بخشی از آن را، آگاهانه یا در سطح آگاهی عملی، انجام می‌دهند. اما بازاندیشی در معنای دوم خود دلالت بر وجود جهانی دارد که، بیش از آن که با مدل‌های رفتار و سلوک از قبل تعیین شده ساخته شده باشد، به طور روزافزون با اطلاعات ایجاد می‌شود. گیدنز معتقد است که به این نحو می‌توان گفت که ما در دوره بعد از سنت و طبیعت زندگی می‌کنیم، چون تصمیمات بسیاری که معطوف به آینده

است می‌گیریم. در این معنا، ما به شیوهٔ بازاندیشانه‌تری نسبت به آن چه نسل‌های دیگر داشته‌اند، زندگی می‌کنیم (پیرسون، ۱۳۸۰). یک نیز همانند گیدنز معتقد است که جهان مدرن کنونی وارد مرحله‌ای تازه از روند مدرنیزاسیون شده است که وی آن را مدرنیزاسیون بازاندیشانه یا تأملی می‌نامد. مدرنیتهٔ بازاندیشانه (Reflexive Modernization) تقریباً معادل همان پدیده‌ای است که گیدنز آن را مدرنیته متأخر یا مدرنیتهٔ رادیکال شده (Radicalized Modernity)، می‌نامد. رادیکالیزه شدن یا بازاندیشانه شدن مدرنیته به معنی اجبار زندگی به شیوهٔ بازاندیشانه‌تر در دنیایی بسیار پیچیده و باز است و اشاره به الگوهای جدید امنیت و خطر و اعتماد و بیم به طور توأمان در جوامع مدرن متأخر و کنونی دارد (Bryant and Jary, 2003؛ پیرسون، ۱۳۸۰).

در قلمروی مدرنیتهٔ کنونی، عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات تازه دربارهٔ آن‌ها پیوسته بررسی و اصلاح می‌شود و در نتیجه خصلت‌شان را به گونه‌ای سازنده تغییر می‌دهد (ریترز، ۱۳۷۷). در این معنا در جهان نوین همه چیز دائماً در پرتوی اطلاعات تازه در معرض بازاندیشی است. حتی خود گیدنز در آثار خود به تمام جوانب بازاندیشی اعم از خرد و کلان در سطح فردی و ساختاری توجه داشته، در جهان نوین همه چیز حتی بدن‌های انسانی و روابط اجتماعی را درگیر سازمان بازاندیشانه زندگی مدرن می‌داند. بازاندیشی یا بازتابندگی یعنی این که برای ساختن زندگی مان به استفاده‌ای فعال از اطلاعات وابسته‌ایم. جان کلام این که بازتابندگی و بازاندیشی یعنی زندگی در جهانی رها، سیال و اشباع شده از اطلاعات (گیدنز، ۱۹۸۹)؛ جهانی که در آن آگاهی از سرشت احتمالی دانش تخصصی، فعالیت‌های اجتماعی از جاکنده شده و جدایی زمان و مکان ما را همواره وادار به تجدیدنظر، اصلاح و تغییر زندگی‌مان در تمامی ابعاد خود کرده، آرامش ما را پیوسته برهم زده، بر بیم‌های ما افزوده و ما را وادار به اعتماد به نظام‌های انتزاعی و افراد ناآشنا کرده است (لاپتن، ۱۳۸۰).

ث - مدرنیته و پیوندهای خصوصی

بحث دیگری که در این بخش بدان خواهیم پرداخت، تأثیر نهادها و ویژگی‌های مدرنیته کنونی بر کمیت و کیفیت روابط و پیوندهای شخصی است. گیدنز معتقد است که تکثر و تعدد انتخاب‌ها و بازبودن جهان مدرن به روی عاملان آن در عصر کنونی به طور مستقیم بر روابط و تعاملات گروه‌های گوناگون مردم نیز تأثیر گذاشته است. وی این پدیده را «تغییر شکل صمیمیت‌ها و آشنایی‌های خصوصی» می‌نامد و آن را از ویژگی‌های نظام اجتماعی مدرن می‌داند. در چنین نظامی ارتباط‌های دوستانه و خصوصی با افرادی برقرار می‌شود که می‌بایست آن‌ها را میان امکانات گوناگون انتخاب کرد. در چنین نظامی، گستره انتخاب هر فرد بسیار بزرگ و وسیع و حفظ پیوندهای صمیمی و نزدیک نیز مستلزم برنامه‌ریزی و بازاندیشی دایمی درباره این پیوندهاست. از نظر گیدنز، در حقیقت روابط دوستانه و صمیمیت‌های پایدار جهان مدرن، بیش از پیش به صورت نوعی رابطه ناب (Pure relationship) در آمده است. گیدنز رابطه ناب را نوعی رابطه اجتماعی خود مرجع می‌داند که منحصراً وابسته به احساس رضایت یا پاداش مشخصی است که از خود همان رابطه حاصل می‌شود. (گیدنز، ۱۳۷۸). در مجموع با توجه به عناصر فوق می‌توان گفت که رابطه ناب، رابطه‌ای خودمحور است که در آن معیارهای خارجی از بین رفته و فقط بر اساس احساس رضایت و پاداش متقابل طرفین درگیر در رابطه به وجود آمده است. خصلت دوستی در محیط‌های پیش از مدرن را باید در زمینه اجتماع محلی و خویشاوندی درک کرد اما بسط گسترده نظام‌های انتزاعی همراه با مدرنیته، سرشت این گونه دوستی‌ها را دگرگون کرد؛ و آن‌ها را به سوی درستی‌های مبتنی بر صمیمیت و اعتماد متقابل ناشی از خود واگشایی طرفین رابطه سوق داده است. بنابراین می‌توان گفت که رابطه ناب نیز به میزان زیادی بازاندیشانه و تأملی است، و نگهداری آن نیز نیازمند تلاش دایمی، بازاندیشی مداوم در رابطه، خود و دیگری و توجه به بیم‌ها و فرصت‌های موجود در رابطه است (گیدنز، ۱۳۷۷؛ لاپتن، ۱۳۸۰).

ج - مدرنیته و هویت شخصی

گیدنز بحث خود پیرامون جامعه و هویت شخصی در عصر مدرن را کاملاً با اتکا به مباحث پیشین خود در مورد ویژگی‌ها، پیامدها و ابعاد مدرنیته متأخر مطرح می‌کند. از نظر وی تغییراتی که امروز در جنبه‌های خصوصی زندگی شخصی ما ایجاد شده است، بستگی مستقیم به استقرار پیوندهای اجتماعی بسیار فراخ دامنه دارد چرا که از نظر او برای نخستین بار در تاریخ بشریت، به علت سطح وسیع و عمق بیش از پیش فرآیندهای فاصله‌گیری زمانی - مکانی، از جاکنندگی و بازجاگیری، در دوران کنونی ماست که خود و جامعه در محیطی جهانی پیش از هر زمانی به هم وابسته شده است و با یکدیگر به در حال تعامل دائمی می‌باشد.

از نظر گیدنز در وضع و حال مدرنیته کنونی، عوامل مختلفی به طور مستقیم بر روابط بین هویت شخصی و نهادهای اجتماعی جدید تأثیر می‌گذارد. از نظر وی، بازاندیشی یا بازتابندگی دوران مدرن - که از عوامل اصلی پویایی شدت یافته مدرنیته متأخر نیز هست، علاوه بر تمامی ابعاد زندگی مدرن، تا ژرفای خود انسان نیز امتداد یافته است. به عبارت دیگر، در تار و پود نظم پسا سنتی، خود به صورت نوعی طرح یا تصویری بازتابی درآمده است. از همین روست که در چارچوب جوامع مدرن کنونی خود جدید و دگرگونی یافته را بایست از طریق کاوش‌های شخصی دریافت و آن را به عنوان بخشی از فرایند تماس متقابل بین تغییرات اجتماعی و شخصی ساخت و استوار نگاه داشت. در عصر جدید یا به قول گیدنز در دوران پسا سنتی، در برابر اشکال نوین تجربه با واسطه، هویت شخصی به صورت رفتارهایی جلوه‌گر می‌شود که به طور بازتابی به وجود می‌آید. این تصویر بازتابی از خویشتن، که بر روایت‌های زندگی‌نامه‌وار منسجم و همواره قابل تجدیدنظر استوار است، در تار و پود انتخاب‌های متعدد و برآمده از نظام‌های مجرد جای می‌گیرد. از همین روست که در زندگی امروزین، مفهوم سبک زندگی (life style) معنای خاصی به خود گرفته است (گیدنز، ۱۳۷۸؛ کسل، ۱۳۸۳).

چ - نظریه‌های اجتماعی فضای مجازی

صحبت از تأثیرات اجتماعی حضور در فضای مجازی و کاربری اینترنت بر هویت کاربر به طور کلی و بدون در نظر گرفتن نوع فعالیت و نوع حضور فرد در این فضا، کار بسیار دشواری است. چراکه فضای مجازی به مثابه مصداقی از تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی جدید نه فقط یک ابزار یا منبعی برای تولید و انتقال اطلاعات، بلکه محیطی مجازی و فضایی برای زندگی است. و بدیهی است که به‌سان فضایی مجازی برای زندگی ای مجازی می‌توان در این فضا به بی‌نهایت کنش دست زد. علاوه بر این بسته به ساختارهای عینی و ذهنی جهان واقعی کاربر و نیازها و توقعات او، کارکردها و امکانات فضای مجازی قابل تغییر و جایگزینی است. به همین علت نیز نظریه‌های موجود در باب تأثیرات حضور در فضای مجازی بر ابعاد هویتی فرد خصوصاً هویت شخصی و خود کاربران بسیار پراکنده است. با این حال، در مجموع، نظریات موجود در باب هویت و فضای مجازی را به سه دسته بسیار کلی نظریه‌های خوش‌بینانه، نظریه‌های بدبینانه و نظریه‌های تلفیقی می‌توان تقسیم نمود:

الف - نظریه‌های خوش‌بینانه

نخستین و شاید معتبرترین نظریه در باب فرهنگ دیجیتال و خود در فضای مجازی که تا حدود بسیاری نیز خوش‌بینانه است، نظریه شری ترکل در باب رابطه حضور در فضای مجازی و شکل‌گیری خود پسا مدرن در بین کاربران فضای مجازی علی‌الخصوص شرکت‌کنندگان در ((MUDS)) (Multi - User Domains) یا میدان‌های چندکاربردی به مثابه فضایی مجازی برای گفت‌وگو، بازی نقش و تعامل با سایرین به طور مداوم و منظم است. البته ترکل در ارائه این نظریه تنها نیست و بسیاری دیگر از متفکرین از جمله استون (stone) در شرح و بسط نظریه ظهور خودهای چندگانه در فضای مجازی او را همراهی نموده‌اند. ترکل در کتاب زندگی بر روی صفحه نمایش Life On Screen در پی پاسخگویی به این پرسش اساسی است که چگونه رایانه‌ها با

تغییر ندادن نسبی شرایط زندگی ما، خودهای ما را تغییر می دهند؟ وی معتقد است که فضای مجازی در حال سوق دادن ما به فرهنگی پسا مدرن بر مبنای تمایز و پراکندگی است، چرا که حضور در فضای مجازی به علت ویژگی های خاص آن از جمله امکان گمنامی و حذف نشانه های فیزیکی به خود کاربر اجازه می دهد که به آسانی نقش های متعدد و متفاوتی را در زمان های مختلف و با تنظیمات مختلف مورد دلخواه و پسند خود، بازی کند. علاوه بر این، فضای مجازی، از نظر وی تا حدودی فضایی رهایی بخش است چرا که به خود کاربر اجازه می دهد که در آن واحد خالق، بازیگر، کارگردان، تهیه کننده، و در مجموع همه کاره نمایش مطلوب خود باشد. همان طور که خود وی اظهار می دارد از نظر وی صفحه نمایش رایانه در حقیقت موقعیتی جدید برای تحقق خیال ها و تمایلات عقلانی یا نیازهای غریزی کاربران است (Turkle, 1996). استون نیز معتقد است که فضای مجازی به عنوان رسانه ای با «پهنای باند باریک»^(۱) در مقایسه با تعامل چهره به چهره فرصت بیش تری را برای دخیل کردن فرایندهای تفسیر، تخیل و آرزوهای طرفین تعامل در گفت و گو، فراهم می آورد. در حقیقت می توان گفت که بر حسب آنکه کاربر در فضای مجازی چگونه خود روی شبکه اش را ساخت بندی می کند و می سازد، سایرین در شبکه او را در ذهن و تصور خویش بارها بازآفرینی می کنند. این میانجیگری و نقش آفرینی واسطه خیال و تصور در علق مجازی نیز از علل جذابیت این قبیل تعاملات است (Turkle, 1995; Hamman, 1996)

در مجموع، تم اصلی دیدگاه پسا مدرنیست هایی چون ترکل و استون پیرامون تأثیرات هویتی حضور در فضای مجازی، حول این محور شکل گرفته است که فضای مجازی فضایی رهایی بخش است که به کاربر اجازه رهایی از بدن و بسیاری از محدودیت های دیگر و شکوفایی جنبه های مختلف خود را که پیش از این قادر به بیان و

۱- narrow bandwidth منظور از اصطلاح پهنای باند از نظر استون میزان اطلاعاتی است که در یک زمان واحد مبادله می شود. برای مثال تعاملات چهره به چهره دارای بیش ترین میزان پهنای باند (high bandwidth) هستند چرا که هم فرد را می بینیم. هم صدایش را می شنویم. و هم قادر به لمس او هستیم (Stone, 1997).

نمایاندن آن‌ها نبود، می‌دهد.

رویکرد خوش‌بینانه دیگر در باب تأثیرات مشارکت در اجتماعات و فعالیت‌های جمعی مجازی بر هویت کاربر است. این رویکرد پیش‌تر حول نظریات هوراد رینگولد (Howard Reingold) درباره اجتماعات مجازی، خصوصیات و تأثیرات آنان خصوصاً در ابعاد هویتی شکل گرفته است. نظریات وی در مجموع حاصل عضویت رینگولد در یکی از نخستین اجتماعات روی شبکه به نام WELL است. وی جوامع مجازی را گردهمایی‌های اجتماعی‌ای می‌داند که در شبکه وقتی که تعداد کافی‌ای از کاربران با یکدیگر مشغول گفت‌وگو شدند، ظهور می‌کند؛ این گفت‌وگوها و تعاملات نیز بالطبع با احساسات انسانی برای شکل دادن به روابطی شخصی در فضای مجازی همراه است. از نظر وی کاربران در اجتماعات مجازی خرسندی‌ها یا توافقات و ناخرسندی‌ها یا مخالفت‌های خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که از نظر وی شرکت در اجتماعات مجازی از نظر رینگولد از سویی از فشارهای ناشی از وفق دادن خود با انتظارات گروهی و جمعی در دنیای واقعی می‌کاهد و آزادی بیشتری را به فرد در جهت تحقق خود مطلوب و ایده‌آل وی، و تعامل با سایرین مطلوب خود وی به او می‌بخشد، و از سویی دیگر نیز از فشارهای محیطی و جغرافیایی بر کاربر بسیار می‌کاهد. شرکت در اجتماعات مجازی محلی، قومی، منطقه‌ای و غیره تاحدی می‌تواند باعث تقویت جنبه‌های بومی هویت و شرکت در اجتماعات جهانی و بین‌المللی در فضای مجازی نیز می‌تواند تاحدی باعث شکل‌گیری نوعی هویت جهانی یا جهان‌وطنی در فرد کاربر شود (Reingold, 1993).

ب - نظریه‌های بدبینانه

این دسته از نظریات، ترکیبی از نظریات و رویکردهای نسبتاً بدبینانه به تأثیرات حضور در فضای مجازی خصوصاً در ابعاد هویتی را شامل می‌شود. این نظریات عمدتاً به طور پراکنده و در انتقاد از نظریات و رویکردهای نسبتاً خوش‌بینانه پسامدرنیست‌ها

شکل گرفته است. مسئله نخست که این دسته نظریه پردازان بدان پرداخته و آن را به چالش کشیده اند، مسئله گمنامی به عنوان امکانی رهایی بخش است. وین و کاتز (Wynn and Katz) به عنوان مثال در مقاله خود تحت عنوان «اغراق در باب فضای مجازی» (Hyperbole over Cyberspace) گمنامی را سازه‌ای اجتماعی می‌دانند که بر اساس توافق افراد شکل گرفته است. دنیای مجازی در مجموع شاید محاسبه‌ناپذیرتر از دنیای روزمره باشد، اما در مجموع بر پایه همان قواعد و قراردادهای اجتماعی دنیای واقعی شکل گرفته است. در حقیقت فضای مجازی نیز توسط منابع قدرت اقتصادی و سیاسی واقعی کنترل و اداره می‌شود. اینترنت در این معنا محتوایی برنامه‌ریزی شده و از پیش مشخص است که توسط یک عده برنامه‌ریز ایجاد می‌شود و تحت کنترل آنان است و به همین علت است که خودهای شکل گرفته در فضای مجازی نیز بیش‌تر شکل برنامه‌ها هستند تا هویت‌ها. درباب امکان گمنامی نیز از نظر این دو مسئله اصلی در فضای مجازی نه گمنامی بلکه قابلیت دیده شدن متقابل همگان است. دست‌یابی به توازنی از قدرت، هر فرد کاربر را در فضای مجازی قادر می‌سازد که دیگرانی را که مشغول تماشای اویند، ببیند. (Wynn and katz, 1998: 298-327)

مسئله دیگری که اکثر آسیب‌شناسان شبکه بدان پرداخته‌اند، مربوط به ویژگی‌های خاص تعاملات و ارتباطات در دنیای مجازی است. آنان معتقدند که تعاملات مجازی در نهایت منجر به ایجاد انزوای اجتماعی و کاهش تعاملات کاربر در دنیای واقعی وی خصوصاً از لحاظ عمق و کیفیت می‌شود و عموماً استفاده بیش‌تر از اینترنت با کاهش ارتباطات اجتماعی خصوصاً از نوع ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده، دوستان نزدیک و غیره همراه است. از نظریه پردازان این رویکرد می‌توان از هیوبرت دریفوس (Hubert Deryfus) فیلسوف و نگارنده کتاب نگاه فلسفی به اینترنت و منتقدان بزرگ فضای مجازی به خصوص تعاملات مجازی در دنیای معاصر، زیگمونت باومن (Zygmunt Bauman) و جان تاملینسون (Tomlinson) نام برد.

پ - نظریه‌های تلفیقی

در این بخش در مجموع از بین نظریه‌های تلفیقی متعدد موجود به عنوان نمونه دو رویکرد کاملاً متفاوت به هویت و فضای مجازی را بطور مختصر شرح خواهیم داد. رویکرد نخست، رویکردی به نحوه شکل‌گیری و آرایه خود در فضای مجازی در چارچوب نظریه نمایشی گافمن است و رویکرد دوم، رویکرد نوینی به خود در دنیای مدرن کنونی و در پرتوی ظهور و گسترش رسانه‌های جدید و افزایش تعاملات رسانه‌ای شده است.

هیو میلر (Hugh Miller) در مقاله معروف خود تحت عنوان «آرایه و نمایاندن خود در زندگی الکترونیکی» (The Presentation of Self in the Electronic Life) و با نام فرعی «گافمن در اینترنت» در پی توضیح نحوه آرائه خودهای مجازی در فضای مجازی با استفاده از چارچوب نظریه نمایش گافمن و نظریات وی در باب نحوه آرایه خود در زندگی روزمره است. میلر معتقد است که ارتباطات الکترونیکی دامنه جدیدی از چارچوب‌های تعامل را با آداب و رسوم مخصوصی وضع می‌کند که اگرچه آشکارا از تعاملات دنیای واقعی و با حضور فیزیکی فقیرترند، اما فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را در راه آرایه و نمایاندن خود در دنیای کنونی فراهم می‌کنند. حال پرسش اصلی میلر در این جاست که «چگونه حقیقتاً نمایش خود در فضای محدود تکنولوژیک و دائماً روبه گسترش فضای مجازی رخ می‌دهد و ساختار تعاملات بدون چهره بر روی شبکه چگونه است؟!» (Miller, 1995) از نظر وی در مجموع می‌توان گفت که افراد در فضای مجازی فرصت آرائه خود مطلوب و ایده‌آل خویشان را تا حدودی در اختیار دارند. خودهایی که می‌توانند پشت صحنه فرد در دنیای واقعی یا ترکیبی از پشت صحنه و جلوی صحنه وی باشند. فضای مجازی در این معنا هم می‌تواند در حکم جلوی صحنه خود و دیگران و هم در حکم پشت صحنه آنان باشد. البته بدیهی است اجرای نقش‌های بعضاً متفاوت و رفت و آمد مداوم بین پشت صحنه و جلوی صحنه ممکن است کمی ناپایداری هویتی برای فرد کاربر ایجاد کند. اما به طور کلی فضای

مجازی فرصت‌های شایسته‌ای را برای نمایاندن مطلوب خود و شناخت بهتر خود و دیگری در جریان تعاملات مجازی در اختیار ما قرار می‌دهد.

رویکرد آخر برگرفته از نظرات جان تامپسون (John Tompson) پیرامون خود و تجربه در دنیای رسانه‌ای شده کنونی است. اگر چه تامپسون در نظریه اجتماعی‌ای که درباره تأثیرات آشکار رسانه‌ها ارائه کرده است به طور کلی بیش‌تر به بررسی تأثیرات اجتماعی توسعه رسانه‌های ارتباطی جدید در جهان مدرن کنونی پرداخته است، اما بدیهی است نظریات وی را می‌توان به یکی از انواع مصادیق این رسانه‌های جدید یعنی رسانه ارتباطی مورد نظر در این پژوهش (اینترنت) نیز تقلیل داد. تامپسون در رویکرد خود در مجموع به نظریات گیدنز در باب مدرنیته، ویژگی‌ها و خصوصیات ساختارهای جوامع مدرن کنونی توجه بسیاری داشته و از مفاهیم نظریه گیدنز درباره هویت شخصی در جهان مدرن کنونی نیز بهره فراوان برده است؛ از مفاهیمی چون جدایی زمان و مکان، از جاکندگی، تغییر شکل صمیمیت، بازتابی بودن هویت و بازتابندگی نمادین دنیای مدرن در تمام سطوح، افزایش تجارب با واسطه و غیره. در مجموع می‌توان گفت که پیشرفت رسانه‌ها و شکل‌گیری و توسعه رسانه‌های جدیدی مثل اینترنت با گسترش منابع نمادین موجود برای فرآیند خودسازی، سازمان بازتاب‌دهنده خود را عمیق‌تر و برجسته‌تر می‌کند، افق‌های زندگی افراد را مدام تغییر می‌دهد و آنان را به سوی کشف شکل‌های دیگر زندگی رهنمون می‌سازد. فراوانی و کثرت مطالب و مواد رسانه‌ای شده در این وضعیت، در مجموع می‌تواند امکان‌نگاهی دیگر را برای افراد فراهم کند و آنان را قادر سازد که به طور انقلابی درباره همه چیز، خودشان، سایرین، شرایط زندگی‌شان، اندیشه‌هایشان، سبک‌های زندگی موجود و غیره بیاندیشند. اما نباید از نظر دور داشت که برجسته کردن و تشدید طرح بازتابی خود از سویی فرد را بیش از پیش به سیستم‌های رسانه‌ای که فراتر از کنترل او قرار دارد، وابسته می‌سازد و از سویی دیگر با افزایش دائمی مطالب نمادین رسانه‌ای شده و گسترش تعاملات رسانه‌ای نیز، افراد با روایات بی‌شماری از خود، دیدگاه‌های فراوانی نسبت به

دنیا و انواع پایان ناپذیری از اطلاعات و ارتباطات مواجه هستند که قادر به جذب تمامی آنها به نحوی مؤثر، منسجم و همگون با یکدیگر نیستند. در کل، رسانه‌ها خصوصاً رسانه‌های جدید افراد را قادر می‌سازند که به راحتی و بدون تغییر دادن محیط‌های زمانی و مکانی زندگی‌شان به قلمروهای جدید و کاملاً متفاوتی از تجربه حرکت کنند. اما این وضعیت به انضمام گشودگی‌ها و امکاناتی که برای فرد مدرن به همراه دارد، می‌تواند برای فرد مدرن موقعیتی بسیار تشویش‌زا نیز ایجاد کند، چرا که دقیقاً این تجارت در محیطی صورت می‌گیرد که ممکن است از حیث مکان یا زمان و از حیث شرایط اجتماعی و مادی زندگی کاملاً با محیط کنش روزمره فرد متفاوت و حتی در تضاد با آن باشد (تامپسون، ۱۳۷۹: ۲۹۶-۳۲۸).

پرسش‌ها، فرضیه‌ها و مدل نظری پژوهش

با توجه به چهارچوب مفهومی فوق، پرسش‌های اساسی، فرضیه‌ها و مدل نظری این پژوهش به شرح ذیل مطرح می‌شود:

- حضور در فضای مجازی تا چه اندازه در شکل‌گیری و یا تقویت هویت مدرن در بین کاربران جوان ایرانی مؤثر است؟
- آیا بین نحوه مصرف اینترنت و میزان زمان صرف شده در آن با نحوه ارائه و مدیریت خود در این فضا رابطه‌ای وجود دارد؟
- آیا بین نحوه مصرف اینترنت و میزان زمان صرف شده در آن با میزان دستیابی به هویت مدرن در بین کاربران جوان ایرانی رابطه‌ای وجود دارد؟

فرضیه‌های اصلی:

- حضور در فضای مجازی و استفاده از اینترنت باعث شکل‌گیری و تقویت هویت مدرن در بین کاربران جوان ایرانی می‌شود.
- هرچه حضور کاربر در فضای مجازی مستمرتر و نوع مصرف او در آن حرفه‌ای تر

(منوط به تولید و دستکاری اطلاعات و نه فقط مصرف آن) باشد، شکل‌گیری و تقویت برخی عناصر کلیدی هویت مدرن نیز در پناه این نوع مصرف در کاربر شدیدتر می‌باشد.

فرضیه‌های فرعی:

- هرچه شخصیت روی شبکه و بیرون از شبکه کاربر به هم شبیه‌تر باشد، استفاده او از گمنامی و اسامی مستعار گوناگون کم‌تر و بازی نقش توسط کاربر در پناه شخصیت‌های مجازی گوناگون کم‌تر باشد، دستیابی کاربر به هویت مدرن شدیدتر خواهد بود.

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به مقتضیات خاص فضای مجازی، پیچیده و انتزاعی بودن مفهوم هویت مدرن به منزله متغیر وابسته اصلی پژوهش و بدیع بودن پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی فضای مجازی (Cyberspace sociology) خصوصاً در ایران، در کنار روش پیمایش (Survey) از یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق مقدماتی نیز همواره در جهت توصیف و تبیین شایسته‌تر فرضیه‌ها استفاده شده است. علت انجام مصاحبه‌های عمیق در این پژوهش دستیابی به ژرفای پدیده مورد بحث است. و سپس به تصویر کشیدن نکات جزئی ولی پراهمیت، در جهت ترسیم تصویری دقیق‌تر و ظریف‌تر از تأثیرات هویتی حضور در فضای مجازی می‌باشد. و علت استفاده از روش کمی با تکنیک پرسشنامه اینترنتی نیز دستیابی به دایره شمول فراختر و سطح مطالعه گسترده‌تر و کلی‌تر در مطالعه این تأثیرات می‌باشد. که پی آمد آن دستیابی به تصویری فراخ‌تر و پهن دامنه‌تر است.

قبل از پرداختن به سایر مسایل روشی لازم به ذکر است که پژوهش فوق در پی کشف تأثیرات حضور در فضای مجازی و مصرف اینترنت به مثابه رسانه‌ای مدرن



برای کاربران جوان ایرانی خصوصاً کاربران حرفه‌ای است. از آنجا که فضای مجازی اصولاً همان‌طور که از نام آن پیداست، دارای مکان خاصی در دنیای واقعی نیست، و فضایی است بین رایانه‌ای و مجازی، و با لحاظ کردن این نکته که دسترسی به کاربران متنوع و متفاوت اینترنت عملاً در دنیای واقعی به علت پراکندگی جغرافیایی و فرهنگی آنان امکان‌پذیر نمی‌باشد، و اصولاً مطالعه یک کاربر اینترنت در فضای کاربری و در

محیط مورد مطالعه، شایسته‌تر و پربازده‌تر است، در این پیمایش از تکنیک پرسشنامه اینترنتی (ایمیلی^(۱)) استفاده شده است. جمعیت آماری این پیمایش نیز شامل کاربران ایرانی ۱۵ - ۳۵ ساله است. در پیمایش فوق بعلت موجود و در دسترس نبودن هیچ گونه چارچوب نمونه‌گیری مشخص و پراکندگی جمعیت آماری موردنظر، از نمونه‌گیری غیراحتمالی با استفاده از نمونه‌های در دسترس (availability samples) استفاده شده است. در حقیقت پرسشنامه این پژوهش در ابتدا برای نزدیک به سه هزار نفر از کاربران ایرانی سایت یا هو فرستاده شد و در مرحله بعد از پرسشنامه‌های بازگشته و تکمیل شده توسط کاربران، با توجه به تعریف جمعیت آماری پژوهش و پس از حذف پرسشنامه‌های مسئله‌دار در نهایت ۳۰۵ پرسشنامه مورد ارزیابی و بهره‌برداری نهایی قرار گرفت. لازم به توضیح است که این حجم نمونه با توجه به عدم اطلاع درست از تعداد واقعی جمعیت آماری مورد مطالعه و متعاقب آن عدم امکان استفاده از فرمول‌های رایج تعیین حجم نمونه، بطور تجربی و با عنایت به حجم نمونه در پژوهش‌های مشابه انتخاب شده است.

مشخصات زمینه‌ای و کلیدی پاسخگویان این پژوهش به این شرح است: از میان ۳۰۵ پاسخگو ۶۰/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۳۹/۷ درصد زن هستند. میانگین سنی کاربران پاسخگو ۲۶ سال و میانه سنی آنان نیز در حدود ۲۴ سال است. درباره سطح تحصیلات پاسخگویان هم باید گفت که ۳ درصد پاسخگویان کم‌تر از دیپلم، ۱۸ درصد دیپلم و فوق‌دیپلم، ۴۶/۱ درصد لیسانس و ۳۲/۹ درصد نیز فوق‌لیسانس و بالاتر از آن بوده‌اند. بدین ترتیب در مجموع ۷۰/۹ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات در سطوح لیسانس و بالاتر هستند. وضعیت شغلی پاسخگویان نیز به نحوی است که با

۱- پیمایش اینترنتی برای نخستین بار در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی در پی گسترش دسترس‌پذیری وب (Web) و ایمیل (email) کشف و مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در زمان بسیار اندکی همراه با پیشرفت امکانات چندرسانه‌ای اینترنت، به علت سهولت به‌کارگیری، قیمت ارزان، سرعت فراوان انجام و پاسخ‌گویی مناسب خصوصاً در صورت ترکیب با سایر انواع پیمایش‌ها، پیمایش اینترنتی مورد استقبال و استفاده قرار گرفت (Fricker and schonlau, 2002).

توجه به جوان بودن جمعیت نمونه همان طور که انتظار می‌رود نزدیک به نیمی از پاسخگویان (۴۸/۳ درصد) دانش‌آموز و دانشجو هستند. متوسط مدت زمان کاربری در بین پاسخگویان نیز در حدود ۵ سال است.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در این پژوهش، رویکرد ما در مطالعه واقعیت اجتماعی مورد مطالعه‌مان - جوانان در فضای مجازی - رویکردی تلفیقی است. لذا در توضیح اجمالی دستاوردهای پژوهش نیز همواره از یافته‌های حاشیه‌ای و مشاهدات حاصل از مصاحبه‌های مقدماتی در کنار دستاوردهای اصلی پیمایش، در جهت تکمیل آنان و ترسیم نمودن تصویری نزدیک‌تر با واقعیت پدیده اجتماعی مورد بحث خود بهره خواهیم جست. در پژوهش فوق، متغیر وابسته اصلی؛ هویت مدرن، متغیر مستقل اصلی، مصرف حرفه‌ای؛ و متغیر مستقل فرعی، نحوه ارائه و مدیریت خود در فضای مجازی است.

متغیر مستقل اصلی این پژوهش، میزان مصرف حرفه‌ای یا به عبارت دیگر نوع مصرف و استفاده کاربر در فضای مجازی و اینترنت، ترکیبی است از نوع مصرف و میزان مصرف کاربر در طول زمان کاربری. در ارزیابی نحوه توزیع این متغیر به تفکیک به بحث درباره نوع مصرف کاربران می‌پردازیم و سپس از نحوه و میزان بهره‌مندی آنان از امکانات متعدد اینترنت و میزان زمان صرف شده در این فضا همراه با میزان وابستگی و تعلق آنان به فضای مجازی سخن می‌گوییم و در انتها نیز به طور یکجا نحوه توزیع شاخص مصرف حرفه‌ای که متشکل از مجموعه‌ای از پرسش‌های مربوط به نوع و میزان حضور و بهره‌مندی از امکانات فضای مجازی است مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا به طیفی از نوع مصرف، از حداقل میزان مصرف (مصرف سرگرمی و گاهگاهی) تا حداکثر میزان مصرف (مصرف حرفه‌ای و دائمی با عمیق‌ترین و بیش‌ترین تأثیرات) دست یابیم. در مجموع ملاک‌های نوع مصرف در این پژوهش، شامل میزان زمان

هفتگی صرف شده، مدت زمان کاربری، نوع استفاده منوط به تولید اطلاعات یا مصرف صرف و غیره در اینترنت و طرز تلقی و نگرش کاربران درباره نوع مصرف فعلیشان می باشد. بر حسب نحوه توزیع متغیرهای فوق ۳۲/۵ درصد کاربران مورد بررسی در این پژوهش کم تر حرفه ای، ۳۵/۱ درصد نیمه حرفه ای و ۳۲/۵ درصد در حد بالایی حرفه ای می باشند. شاید بتوان علت اصلی فزونی تعداد کاربران نیمه حرفه ای و حرفه ای بر کاربران غیر حرفه ای را در این پیمایش مرتبط با نحوه تکمیل پرسشنامه ها و اینترنتی بودن پرسشنامه دانست.

همان طور که در مباحث پیشین ذکر شد این پژوهش همواره در پی دستیابی به تأثیرات حضور در فضای مجازی و مصرف اینترنت بر هویت فرد کاربر در طول زمان مصرف و پس از آن است. اما از آنجا که هویت به طور اعم و هویت مدرن به طور اخص، خود به تنهایی و به طور کلی سازه ای بسیار انتزاعی است، به طور مستقیم غیر قابل مشاهده و سنجش ناپذیر می باشد. باتوجه به چهارچوب نظری پژوهش - که تکیه اصلی آن بر شاخصه های هویت مدرن از نظر گیدنز است - گویه های مربوط به مطالعه این متغیر (هویت مدرن) از لحاظ مفهومی به دسته های چندگانه و بهم پیوسته ای طبق چهارچوب نظری پژوهش تقسیم می شود. در نهایت، هدف از این تفکیک نیز چیزی جز توصیف و ترسیم دقیق تر تأثیرات فضای مجازی بر شکل گیری برخی شاخصه های مهم هویت مدرن در بین کاربران ایرانی خصوصاً کاربران جوان نمی باشد. گویه ها و پرسش های مربوط به بررسی میزان دستیابی به هویت مدرن در پرتوی حضور در فضای مجازی و بهره گیری از امکانات آن در پژوهش فوق حول چهار محور اصلی می چرخد: الف - تأثیرات حضور در فضای مجازی و مصرف اینترنت بر بازتابندگی خود و رشد تفکر بازاندیشانه در فرد کاربر. ب - اثرهای حضور در فضای مجازی و مصرف اینترنت بر دامنه تعاملات اجتماعی کاربر و تبعات حاصل از آن. پ - اثرهای حضور در فضای مجازی بر تجربه از جاکنندگی زمان و مکان. ت - اثرهای حضور در فضای مجازی و مصرف اینترنت بر تجربه اضطراب و اعتماد به طور توأمان.

و یک محور فرعی: ث- اثرهای حضور در فضای مجازی و مصرف اینترنت بر احساس آزادی و استقلال و قدرتمندی فرد کاربر تنظیم شده است. در ادامه بعلت اهمیت موضوع، به کوتاهی به توصیف نحوه واکنش پاسخگویان نسبت به اثرهای حضور در فضای مجازی بر هریک از این چهار محور اصلی هویت مدرن بطور مجزا خواهیم پرداخت.

همانگونه که در چهارچوب مفهومی نیز بیان گردید بازتابندگی خود در حقیقت پروسه آزمون کردن، بازپرسی و نظارت دایمی بر رفتارهای خود و دیگران است، که در پرتوی شرایط اجتماعی دوران مدرنیته متأخر توسعه می‌یابد. در این وضعیت افراد مخاطرات حاصل از تجربیات جدید را، به اطمینان حاصل از پابندی به یقین‌های گذشته ترجیح می‌دهند. (بیلتون، تونی و دیگران، ۲۰۰۲) ما برآنیم که تجارب حاصله از حضور کاربر جوان ایرانی در فضای مجازی و دستیابی به اطلاعات و ارتباطات گسترده و نوین، بسته به میزان عمق و وسعت این حضور، موجب بازاندیشی در هویت فردی کاربران جوان ایرانی و متزلزل شدن جدی فراروایت‌های موجود در اذهان آنان می‌شود. در همین راستا ۷۸/۷ درصد کاربران معتقدند که تعامل با سایر کاربران در فضای مجازی باعث ایجاد تغییراتی در طرز تفکر آنان شده است، و نزدیک به ۸۷ درصد کاربران مورد بررسی نیز موافقند که دستیابی به اطلاعات گسترده و متنوع در فضای مجازی تغییراتی جدی در طرز تفکرشان ایجاد کرده است. در حدود ۴۶ درصد پاسخگویان بر این باورند که حضور در فضای مجازی باعث تغییر در فراروایت‌های آنان شده است و در حدود ۷۳ درصد آنان نیز معتقدند که در مجموع، به علت تجربه حضور در فضای مجازی و بهره‌گیری از امکانات آن، به شناخت بهتر و کامل‌تری از خود دست یافته‌اند. در نهایت در حدود ۸۸ درصد کاربران نیز موافق بوده‌اند که در پرتو برخورد با اندیشه‌ها، سبک‌های متفاوت زندگی در فضای مجازی کاربران ایرانی امروز قادرند بسیار آسانتر از گذشته تنوع موجود در جهان متکثر فعلی را تحمل کنند.

بدون وجود و تعامل با دیگری بحث از هویت بی‌معناست. در یک معنای کلی هویت

به تعریف خود در ارتباط با دیگران اشاره دارد که از یک سوی با شباهت‌ها، از سوی دیگر با تفاوت‌های افراد در ارتباط است. همان‌طور که جنکینز در کتاب هویت اجتماعی بیان می‌دارد، تمامی هویت‌های انسانی حتی هویت فردی که در خویشتن خود تجسم می‌یابد، بر اساس نحوه ارتباط با دیگران و تجربه‌های اجتماعی دوران حیات فردی شکل می‌گیرد. (جنکینز، ۱۳۸۱) اینترنت به مثابه نوعی تکنولوژی ارتباطی اطلاعاتی جدید خصوصاً در بعد ارتباطی‌اش شدت بر هویت فردی و جمعی کاربران و افزایش سرمایه اجتماعی و قدرت نمادین آنان مؤثر می‌باشد. در حدود ۸۵ درصد پاسخگویان این پیمایش، میزان ارتباط خود را با سایر کاربران در اینترنت از حد متوسط تا حد زیاد دانسته‌اند. در حدود ۷۱ درصد پاسخگویان معتقدند که در کل، حضور در فضای مجازی باعث افزایش دامنه ارتباطات اجتماعی آنان شده است و در حدود ۵۰ درصد کاربران نیز معتقدند که تاکنون در فضای مجازی با کاربرانی در ارتباط بوده‌اند که در دنیای واقعی به ندرت می‌توان شبیه آنان را در محدوده روابط اجتماعی هر روزه شان بیابند. در همین راستا ۶۰ درصد پاسخگویان نیز اظهار داشته‌اند که دامنه برخی دوستی‌های مجازی آنان به دنیای واقعی کشیده شده است. در حدود ۹۰ درصد پاسخگویان بر این باورند که اینترنت این امکان را برایشان فراهم کرده است که با افرادی از سایر کشورها و با فرهنگ‌های مختلف ارتباط برقرار کنند. ۸۹ درصد پاسخگویان معتقدند که در فضای مجازی نیز مثل دنیای واقعی دارای روابطی صمیمانه همراه با تعهد متقابل نسبت به دوستان خود می‌باشند. ۷۴ درصد آنان نیز برآنند که ارتباطات اینترنتی، دوستی‌ها و ارتباطاتشان را با برخی دوستانشان صمیمی‌تر از گذشته کرده است. در نهایت ۸۲ درصد پاسخگویان نیز بر این عقیده‌اند که با توجه به کم‌رنگ شدن فشار هنجارهای اجتماعی - چه رسمی و چه غیررسمی - در پناه امکانات موجود در فضای مجازی، شرایط گفت‌وگو در این فضا عادلانه‌تر و آزادانه‌تر از دنیای واقعی است.

از جاکندگی، جابه‌جا ساختن و بیرون کشیدن و از جای اصلی خود درآوردن روابط

اجتماعی از زمینه‌های بومی و محلی و بازترکیب و به هم درآوردن مجدد آن‌ها در فاصله‌های نامحدود زمانی و مکانی است (نوذری، ۱۳۸۰: ۳۷۷). در همین راستا ۷۴ درصد کاربران پاسخگو بر این باورند که فضای مجازی فرصت‌های زیادی را در اختیار آنان قرار داده است تا بتوانند از زمان و مکان محدود و بسته خود در دنیای واقعی فراتر رفته و تجارب جدیدی را کسب نمایند. در حدود ۹۰ درصد آنان نیز معتقدند که زمان آغاز کاربری تاکنون آشنایی‌شان با سایر جوامع موجود در دنیای واقعی از جهات فرهنگی، اجتماعی و غیره بیشتر شده است و حضور در پهنه فضای مجازی و تعامل با کاربران متفاوت از جوامع مختلف و دستیابی به اطلاعات جهانی باعث شده است که این کاربران به کوچکی عرصه زندگی روزمره خود پی ببرند.

گیدنز محقق ساختن خویشتن مدرن را به تعادل بین فرصت‌جویی و خطرکردن تعبیر می‌کند. نوعی فیدهای آزاردهنده گذشته را رها کردن و استقبال از فرصت‌های متنوع جدید برای توسعه شخصیت. دلالت ضمنی مفهوم بیم در آن است که هیچ جنبه‌ای از کنش انسانی از یک جریان ثابت و همیشگی تبعیت نمی‌کند بلکه همه چیز بر مبنای احتمال است. از سوی دیگر نیز مشخصه دنیای مدرن تعامل مداوم با دیگران غایب است، افرادی که شاید شخص هرگز آنان را ندیده و با آن‌ها مواجه نشود، اما کنش‌های آنان مستقیماً روی زندگی شخصی او تأثیر می‌گذارند (گیدنز، ۱۳۷۸؛ لاپتن، ۱۳۸۰). به نظر می‌رسد که فضای مجازی، در مقیاسی بسیار کوچک با قراردادن کاربر در کنار سایر کاربران بی‌چهره و ناآشنا، در محیط‌های ناشناخته، تجربه بیم و در عین حال به علت بهره‌گیری از امکانات آن، تجربه اعتماد به این فضا، سایرین در این فضا و کلاً اعتماد به هرچه که در این فضا هست را ایجاد می‌کند. در همین راستا بیش از نیمی از کاربران پاسخگو یعنی در حدود ۶۰ درصد آنان معتقدند که در مجموع به سایر کاربران اینترنتی اعتماد زیادی ندارند، ۶۷/۲ درصد کاربران پاسخگو نیز برآنند که هنگام حضور در این فضا ترس و یا اضطراب خاصی را احساس نمی‌کنند که علت این امر را نیز شاید بتوان در امکان استفاده از مزایای گمنامی در این فضا و بطور نسبی غیرقابل

شناسایی و پیگیری بودن کامل کاربران در آن، دانست. در مجموع ۶۶ درصد کاربران پاسخگو معتقدند که به خاطر برخی خصوصیات ذاتی این فضا مثل گمنامی، امکان حذف مشخصه‌های فیزیکی و غیره در بسیاری موارد خصوصاً در حین تعامل با سایر کاربران ناآشنا، در حال خطر کردن یا به عبارت دیگر ریسک کردن هستند و در حدود ۸۴ درصد آنان نیز بر این باورند که به علت علاقه به بهره‌مندی از امکانات اینترنت با وجود ناامنی‌های بسیار در آن چاره‌ای جز اعتماد بدان را ندارند.

در مجموع به طور بسیار فشرده و مجمل و با توجه به واکنش پاسخگویان به گویه‌ها و سؤالات مربوط به پنج محور هویت مدرن می‌توان گفت که، حضور در فضای مجازی با توجه به خصوصیات و امکانات خاص این فضا - که بیشتر متأثر از دو خاصیت ذاتی آن؛ فضابودگی، یعنی نداشتن چارچوبهای فیزیکی و مکانی مشخص، و مجازی بودن آن می‌باشند - نظیر امکان گمنامی، امکان تعامل همزمان و غیرهمزمان با طیف وسیعی از دیگرها اعم از دردسترس یا دور از دسترس در دنیای واقعی، و متعاقباً دیدن بازتاب خود در ارتباط با سایرین، امکان رویارویی با فضاها و جریان‌های ناآشنا، امکان پشت سر نهادن نسبی مرزهای طبیعی و اجتماعی موجود در دنیای واقعی، امکان دسترسی سریع و نسبتاً آسان به طیف وسیعی از اطلاعات اعم از محلی، جهانی، تخصصی، عمومی، و غیره، امکان تعامل و ارتباط صرفاً مبتنی بر نوشتار با سایرین و بی‌نهایت امکان دیگر، کاربر فضای مجازی خصوصاً کاربر جوان ایرانی را - با توجه به ساختارهای عینی و ذهنی جامعه نیمه‌سنتی، نیمه مدرن، پسا سنتی، پیشا مدرن خود - قادر می‌سازد که برخی تجارب خرد و کلان ویژه زندگی در جوامع مدرن کنونی را با توجه به ساختارها، نهادها و ساخت‌های مختص این نوع جوامع، تجربه کند و از آن‌ها تأثیر پذیرد، تجاربی نظیر تجربه جدایی زمان و مکان، جدایی مکان از فضا، تجربه برقراری روابط دوستانه و صمیمی با سایرین متعدد و متفاوت همراه با احساس نوعی تعهد درونی به رابطه، تجربه اعتماد به افراد و ساختارهای نامریی با در نظر گرفتن و پذیرفتن بیم‌ها و مخاطرات موجود،

تجربه آزادی، استقلال و قدرتمندی فردی و غیره. ترکیب این تجارب کمابیش مشترک بین فضای مجازی و دنیای مدرن همراه با دو پیامد دیگر حضور در فضای مجازی؛ نخست افزایش دامنه تعاملات اجتماعی فرد کاربر در فضای مجازی و به تبع آن در دنیای واقعی با هر دو جهان معاصران در دسترس و دور از دسترس و در پی آن افزایش سرمایه اجتماعی فرد و دوم دستیابی کاربر فضای مجازی به دامنه وسیعی از اطلاعات گوناگون و در پی آن افزایش قدرت نمادین فرد، بتدریج پنداشت کاربر جوان ایرانی از کیستی و چیستی خود، دیگران و جهان پیرامونش را دگرگون، و هویت او را دستخوش تحول می‌کند و در نهایت باعث شکل‌گیری هویتی بالنسبه سیار، ناپایدار، بازانديشانه و متکثر در وی می‌شود. هویتی که با توجه به خصوصیات آن می‌توان آن را هویت مدرن نامید. در کل، نگرش‌های کاربران درباره تغییرات هویتی خودشان از زمان کاربری اینترنت تاکنون در این پژوهش، بیانگر دستیابی آنان به برخی از شاخصه‌های کلیدی هویت مدرن در پرتو حضور در فضای مجازی و بهره‌گیری از این تکنولوژی اطلاعاتی، ارتباطی مدرن می‌باشد. بطوریکه می‌توان به وضوح مشاهده کرد که کاربرانی که مدت زمان بیشتری از وقت خود را صرف فعالیت جدی و مستمر در شبکه می‌کنند به خصوص کاربرانی که فضایی را در شبکه به هر نحو ممکن به توزیع دستاوردها و نشر عقاید خود اختصاص می‌دهند تا حد قابل ملاحظه‌ای به شبکه وابسته و متکی می‌باشند. آنان در پناه این حضور و فعالیت مستمر در فضای مجازی بیش از سایر کاربران به کلیدی‌ترین شاخصه‌های هویت مدرن دست می‌یابند. جدول ذیل تصویر گویایی را از این تفاوت ترسیم می‌نماید:

همان طور که در جدول زیر و در اختلاف قابل ملاحظه میانگین نمرهای کاربران با مصرف حرفه‌ای و سرگرمی و نتایج حاصل از کاربست آزمون ۱ و سطوح معناداری مختص بدان نیز نمایان است، در کل شاخص و در تمامی ابعاد هویت مدرن باستانیای تجربه بیم و امید تفاوت معناداری بین میانگین نمرهای کاربران با مصرف حرفه‌ای و

جدول شماره ۱- بررسی میزان دست‌یابی به شاخصه‌های هویت مدرن در بین کاربران اینترنتی

مورد مطالعه به تفکیک نوع مصرف

سطح معنا داری	1	میانگین		گروه‌ها	نوع مصرف
		مصرف مصرف	سرگرمی حرفه‌ای		
۰/۰۱۲	۲/۵۲	۱۷/۱	۱۵/۹	<p>- حضور در اینترنت و ارتباط با افراد مختلف و متفاوت باعث ایجاد تغییراتی فکری و ذهنی در من شده است.</p> <p>- دست‌یابی به اطلاعات گسترده در اینترنت تغییراتی را در طرز تفکر من ایجاد کرده است.</p> <p>- در اینترنت گاهی از معیارهایی در دنیای واقعی فاصله می‌گیرم.</p> <p>- حضور در اینترنت و استفاده از آن در کنار جریان‌های دنیای واقعی باعث ایجاد تغییراتی در برخی ارزش‌ها، باورها و تعصبات سنتی یا دینی‌ام شده است.</p> <p>- حضور در اینترنت و ارتباط با افراد مختلف باعث شده خودم را بهتر و کاملتر بشناسم.</p> <p>- برخورد با اندیشه‌ها و زندگی‌های متفاوت و متنوع در اینترنت پذیرش آراء و عقاید مختلف را برای کاربران ایرانی آسانتر از پیش کرده است.</p>	پارتنریتهای مجازی
۰/۰۱	۳/۴۰	۱۵	۱۳/۶	<p>- اینترنت باعث شده مخاطبان من از جوانب مختلف گسترش پیدا کنند.</p> <p>- از زمان کاربری اینترنت دامنه ارتباطات اجتماعی‌ام گسترده‌تر و متنوع‌تر شده و دوستان بیش‌تری پیدا کرده‌ام.</p> <p>- دوستان من در دنیای مجازی و واقعی ناهم‌دردی از هم متفاوت هستند.</p> <p>- در اینترنت با افرادی در ارتباط هستم که در دنیای واقعی با امثال آنان بندرت در ارتباط هستم.</p> <p>- دامنه برخی دوستی‌های من به دنیای واقعی کشیده شده است.</p> <p>- اینترنت این امکان را برای من فراهم کرده است که با افرادی از سایر کشورها و فرهنگ‌های مختلف ارتباط برقرار کنم.</p>	تبادلان و ارتباطات مجازی

ادامه جدول شماره ۱

سطح معنا داری	I	میانگین		گویه‌ها		
		مصرف	سرگرمی حرفه‌ای			
				<p>- با دوستانم در اینترنت رابطه صمیمانه و دوستانه‌ای براساس نوعی تعهد دوستانه متقابل دارم.</p> <p>- ارتباطات اینترنتی دوستی‌ها و ارتباطاتم را با برخی از دوستانم صمیمی‌تر از گذشته کرده است.</p> <p>- در کل، شرایط گفت‌وگو در فضای اینترنت عادلانه‌تر و آزادانه‌تر از دنیای واقعی است.</p> <p>- بهترین امکانی را که اینترنت به عنوان یک رسانه برای کاربران جوان ایرانی در جامعه کنونی ما فراهم کرده است، امکان ارتباط با سایر افراد با هزینه اندک است.</p>		
۰/۰۳	-۲/۹۶	۱۳/۲	۱۲/۳	<p>- در اینترنت توانسته‌ام خود را از قید زمان و مکان محدود زندگیم برهانم</p> <p>- از زمان آغاز کاربری اینترنت تاکنون آشنایی من با سایر فرهنگ‌ها و سبک‌های زندگی موجود در جهان بیش‌تر شده است</p> <p>- اینترنت بیش از پیش مرا متوجه این نکته کرد که دنیای کوچک اطرافم فقط بخش محدودی از جهان پهناور است</p> <p>- اینترنت برای بسیاری از کاربران ایرانی در حکم دریچه‌ای رویه جهان مدرن است</p>	تجربه از چاکندگی زمان و مکان	
۰/۶۸	-۲/۱۲	۸/۵	۸/۳	<p>- در مجموع به سایر کاربران در اینترنت اعتماد زیادی ندارم</p> <p>- من در مواجهه با موقعیت‌ها یا در ارتباط با افراد ناآشنا در اینترنت گاهی احساس ترس یا اضطراب می‌کنم</p> <p>- در اینترنت به خاطر برخی خصوصیات ویژه آن مثل متکی بودن به نوشتار، مطرح‌نبودن ویژگی‌های فیزیکی، امکان گمنام ماندن و غیره می‌بایست در بسیاری موارد ریسک کرد</p> <p>- در مجموع اینترنت در کنار سایر دستاوردهای تکنولوژیک زندگی انسان امروز را پیچیده‌تر از گذشته کرده و اضطراب‌های زندگی افراد را افزایش داده است</p> <p>- با وجود ناامنی‌های موجود در فضای مجازی به خاطر بهره‌مند شدن از امکانات آن می‌بایست بدان اعتماد کرد</p>	تجربه اضطراب و اعتماد	هویت مدرن

ادامه جدول شماره ۱

سطح معنا داری	I	میانگین		گویه‌ها	
		مصرف مصرف	سرگرمی حرفه‌ای		
۰/۰۴	-۲/۹۱	۱۱/۲	۹/۷	<ul style="list-style-type: none"> - در اینترنت احساس استقلال فردی بیش‌تری نسبت به دنیای واقعی می‌کنم - در اینترنت احساس اعتماد به نفس بیش‌تری نسبت به دنیای واقعی ام می‌کنم - در اینترنت خود را قادر به انجام بسیاری از کارهای دلخواه خود می‌کنم - به عنوان یک کاربر ایرانی در اینترنت احساس آزادی و قدرت بیش‌تری نسبت به دنیای واقعی می‌کنم 	تجزیه آزادی استقلال فردی و قدرتمندی
۰/۰۰۰	-۲/۲	۷۰/۶	۶۳/۴	شاخص میزان دستیابی به هویت مدرن	

کاربران با مصرف سرگرمی مشاهده می‌شود. به طوریکه می‌توان گفت کاربران حرفه‌ای مورد مطالعه در این پژوهش همواره نمره بیش‌تری را در میزان دستیابی به هویت مدرن اخذ کرده‌اند.

در مجموع و با اتکا به یافته‌های پژوهش و با عنایت به این مهم که تمامی مصاحبه شدگان بخش مقدماتی و در حدود ۷۰ درصد از واحدهای نمونه پیمایش، کاربر کاملاً حرفه‌ای و یا نیمه حرفه‌ای می‌باشند، به جرأت می‌توان گفت که شدیدترین و کاملترین میزان دستیابی به شاخصه‌های کلیدی هویت مدرن را می‌توان در کاربران کاملاً حرفه‌ای خصوصاً کاربران تولیدگر با سابقه حضور بلندمدت در فضای مجازی دید. بعبارت دیگر میزان مصرف حرفه‌ای اینترنت با میزان دستیابی کاربران جوان ایرانی به شاخصه‌های کلیدی هویت مدرن در پرتوی حضور در فضای مجازی دارای رابطه معناداری است، به نحوی که می‌توان گفت که با افزایش در میزان مصرف حرفه‌ای، میزان مدرن‌بودگی کاربر نیز در ابعاد هویتی افزایش می‌یابد و یا به بیانی سلیس‌تر و جامع‌تر «هر چه حضور کاربر در فضای مجازی مستمرتر باشد و ساعت‌های

بیش‌تری مصرف‌کنند. نوع مصرف او تولیدی‌تر و وابستگی او به فضا بیشتر و اهمیت فضا برای او بیشتر باشد. در کل هرچه نوع مصرف کاربر حرفه‌ای‌تر باشد، تأثیرپذیری او خصوصاً در ابعاد هویتی از این فضا بیشتر است و هویت وی در پرتوی این نوع مصرف نیز متعاقباً مدرن‌تر خواهد بود».

پدیده دیگری که می‌بایست آن را همراه با نوع و میزان مصرف کاربر در میزان دستیابی کاربر به هویت مدرن در پناه حضور در فضای مجازی و کاربری اینترنت مؤثر دانست، بی‌شک نحوه ارائه و مدیریت خود توسط کاربر در این فضا است. در توضیح این رابطه باید گفت که فضای مجازی برای هر کاربر دنیایی متفاوت را در مجاورت دنیای واقعی فرد تشکیل می‌دهد. در این فضا با توجه به خصوصیات و ویژگی‌های منحصر به فرد آن - که ناشی از بین‌رابطه‌ای بودن این فضا و نداشتن مکان مشخصی در دنیای واقعی است - مثل امکان حذف خصوصیات فیزیکی افراد، حذف عوامل محیطی و در نتیجه کاهش چشمگیر فشار اهرم‌های کنترل اجتماعی، فرد کاربر امکان می‌یابد که در تعاملات مجازی و در طی کنش متقابل با سایر کاربران اعم از دیگران در دسترس در دنیای واقعی یا دیگران دور از دسترس در این دنیا، خود را به هر نحوی که مایل است مدیریت و ارایه کند. با توجه به اینکه امکان گمنام بودن و گمنام ماندن در اینترنت یکی از مهمترین خصوصیات ذاتی این فضا است، فرد کاربر همیشه امکان آن را دارد که هویتی متفاوت از هویت واقعی خویش و یا هویت‌هایی چندگانه و متعدد را در این فضا، برای خود خلق کند. استفاده از نام‌های مستعار و IDهای متعدد و چندگانه به آسانی در این فضا شدنی است. که می‌تواند به محملی برای بازی نقش‌های متعدد در تعاملات مجازی و شکل‌گیری خودهای متفاوت تبدیل شود. خودهایی که شاید به علت کنترل‌پذیرتر بودن فضا و روابط در دنیای مجازی، به خود ایده‌آل و آرمانی کاربر نزدیک‌تر باشد. فضای مجازی با خصوصیات و ویژگی‌های خاص خود برای کاربر امکان ارائه خودهای متعدد و متفاوتی را فراهم می‌نماید، خود یا خودهایی که می‌توانند به خود واقعی فرد نزدیک یا کاملاً از آن دور باشند. بدیهی است که نحوه

ارائه و مدیریت خود در فضای مجازی از سویی با نوع مصرف فرد کاربر و از سوی دیگر با کمیت و کیفیت تأثیرات متعدد و مختلفی که وی در پرتو حضور در این فضا خصوصاً در ابعاد هویتی پذیرا می‌شود، در ارتباط می‌باشد. در مجموع در این باره با عنایت به مشاهدات کمی و کیفی انجام شده در این پژوهش می‌توان گفت که هر چه خود واقعی و مجازی فرد کاربر به یکدیگر شبیه‌تر باشد، این دو فضا، فعالیت‌ها و جریان‌های آن در زندگی روزمره کاربر بیشتر در یکدیگر ادغام می‌شود و در نتیجه تأثیرات بیشتری را بر هویت کاربر و متعاقب آن بر سبک زندگی کاربر خواهد گذاشت. به بیان سلیس‌تر یافته فوق می‌توان را اینگونه بیان کرد که «هر چه شخصیت روی شبکه و بیرون از شبکه کاربر به هم شبیه‌تر باشد، استفاده او از گمنامی و اسامی مستعار گوناگون کمتر باشد و بازی نقش توسط کاربر در پناه شخصیت‌های مجازی گوناگون نیز کمتر باشد، مسلماً دستیابی کاربر به هویت مدرن شدیدتر خواهد بود. «رابطه مذکور بطور مستقل با آزمون گاما سنجیده و در سطح معنی‌داری کمتر از $0/0005$ معادل $0/48$ می‌باشد.

در انتها در راستای تایید همبستگی بین میزان مصرف حرفه‌ای و نحوه ارائه و مدیریت خود با میزان دستیابی به هویت مدرن در فضای مجازی می‌توان به نتایج حاصل از کاربست تحلیل رگرسیون چند متغیره در جداول ذیل توجه نمود:

جدول شماره ۲- تحلیل رگرسیون میزان مصرف حرفه‌ای و نحوه ارائه و مدیریت خود بر میزان

دستیابی به هویت مدرن

شاخص	بتا	t	سطح معناداری
میزان مصرف حرفه‌ای	$0/364$	$4/702$	$0/00$
نحوه ارائه و مدیریت خود	$0/317$	$4/091$	$0/000$

میزان اشتباه استاندارد	Adjust R Square	
$10/10$	$0/211$	$0/459$

با توجه به جدول‌های تحلیل رگرسیون فوق، میزان ضریب رگرسیون یا ضریب بتا بین متغیر وابسته این پژوهش؛ میزان دستیابی به هویت مدرن با میزان مصرف حرفه‌ای معادل ۰/۳۶ و با نحوه ارائه و مدیریت خود - یا میزان شباهت شخصیت روی شبکه و بیرون از شبکه کاربر - معادل ۰/۳۲ می‌باشد. میزان R نیز با دخالت دو متغیر مستقل فوق در این رابطه در سطح معناداری کم‌تر از ۰/۰۰۵ معادل ۰/۴۶ می‌باشد. بطور خلاصه و با توجه به دو یافته فوق در مجموع می‌توان گفت که میزان مصرف حرفه‌ای یا به بیان دیگر نوع مصرف کاربر از سویی، و نحوه ارائه و مدیریت خود توسط وی در فضای مجازی از سویی دیگر، در میزان دستیابی کاربر به هویت مدرن در پناه حضور در این فضا و بهره‌گیری از امکانات متعدد و متفاوت مؤثر است. در انتها پیش از اتمام بحث می‌بایست به یافته‌ای حاشیه‌ای و در عین حال مهم دیگری پردازیم که حاصل ملحوظ کردن جنسیت به عنوان متغیری زمینه‌ای و بسیار برجسته و تأثیرگذار در تمامی روابط بتصویر کشیده شده در این پژوهش است.

جدول شماره ۳- بررسی میزان دستیابی به برخی شاخصه‌های هویت مدرن در بین کاربران

اینترنتی مورد مطالعه به تفکیک جنس

سطح معناداری	t	میانگین		ابعاد هویت مدرن
		زن	مرد	
۰/۰۵	۱/۸۴	۱۶/۲۶	۱۷/۰۵	بازتابندگی خود در فضای مجازی
۰/۰۳	۲/۱۵	۱۴/۱۲	۱۴/۸۸	تعاملات و ارتباطات مجازی
۰/۱	۱/۳۷	۱۲/۷	۱۳/۱	تجربه از جاکندگی زمان و مکان
۰/۶	۰/۴۷	۸/۳۷	۸/۷۴	تجربه اضطراب و اعتماد
۰/۲۴	۲/۲۷	۱۰/۱۱	۱۱/۰۴	تجربه آزادی استقلال فردی و قدرتمندی
۰/۰۰۷	۲/۷۵	۶۶/۳۹	۷۰/۸۴	شاخص هویت مدرن

آمار و ارقام فوق به خوبی نمایانگر آن است که در مجموع، متغیر جنسیت در میزان دستیابی کاربر به هویت مدرن در پناه حضور در فضای مجازی مؤثر است، به نحوی که می‌توان گفت پاسخگویان مرد همواره بیش از پاسخگویان زن در این پژوهش در پناه حضور در فضای مجازی به شاخصه‌های کلیدی هویت مدرن دست یافته‌اند. این تفاوت معنادار بین دو جنس را می‌توان در برخی از ابعاد هویت مدرن از جمله بازتابندگی خود در فضای مجازی، تجربه آزادی، استقلال فردی و قدرتمندی در فضای مجازی و در مبحث تعاملات و ارتباطات مجازی و برقراری روابط ناب نیز مشاهده نمود.

نتیجه‌گیری

فضای مجازی با در دسترس قرار دادن سایرین متنوع و متعدد دور و نزدیک و فراهم آوردن امکان تعامل چه از نوع مجازی و چه از نوع واقعی با آنان، به کاربر جوان ایرانی امکان شناخت بهتر خود را می‌دهد. شناختی که حصول به آن بدون وجود تعاملات گسترده با سایرین متفاوت بسیار دشوار است و افزون بر آن نیز با قرار دادن کاربر در موقعیت‌های متفاوت بسیار نزدیک یا بسیار دور از جهان تمام عیار وی - یعنی همان جهانی که در زندگی روزمره فرد در آن دست به عمل می‌زند (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵) - کیستی وی و پنداشت وی از خودش و سایرین را دستخوش تحول می‌کند، و معناهای جدیدی را برای او می‌آفریند. البته بدیهی است که این بازشناسی خود و دیگری فقط گستری کوچک هویت مجازی کاربر نیست بلکه رفته‌رفته خود واقعی کاربر را نیز به همان میزان دربر می‌گیرد و دگرگون می‌کند. داشتن تعاملات گوناگون با سایر کاربران در فضای مجازی و کشیده شدن بخشی از این تعاملات به دنیای واقعی، کاربر جوان ایرانی را در برقراری آسانتر ارتباط با سایرین، یاری می‌کند و دایره ارتباطات وی را در هر دو جهان مجازی و واقعی بمیزانهای متفاوتی متحول و گسترده‌تر می‌کند. در حقیقت کاربر در این فضا و در پرتو تعامل با درجات صمیمیت گوناگون با

سایرین متفاوت و دور از دسترس با انگاره‌های فکری و سبک‌های زندگی متفاوت، خصوصاً از طریق تماس با تولیدات هر کاربر و تبادل نظر و گفت‌وگو با سایر کاربران در شرایطی بالنسبه نزدیک به شرایط آرمانی گفت‌وگو نزدیک می‌شود و در پی آن دستیابی به اطلاعات گسترده و کسب تجارب و مهارت‌های متفاوت در دنیای مجازی و متعاقب آن در جهان واقعی، بتدریج کاربر جوان ایرانی - خصوصاً با دیدن بازتاب‌های خود در نوشته‌ها و اعمال خود و دیگران - بسیاری از مواضع خود را بطور آگاهانه یا ناخودآگاه مورد بازاندیشی قرار می‌دهد و مواضع جدیدی را اتخاذ می‌کند که این مواضع نیز بنا به ماهیتشان عمدتاً در کوتاه مدت و تا کسب تجارب جدیدتر دارای اعتبار می‌باشد.

حضور در فضای مجازی به عنوان فضایی متکثر، خصوصاً برای کاربران ایرانی که در جهان واقعی خود با دنیایی نسبتاً یکدست روبرو هستند، پذیرش تکثر و نسبی نگری را آسانتر از پیش کرده است و مقاومت آنان را در برابر دیگگری و جهان‌وی کمرنگ‌تر می‌کند. کاربری در شبکه تاحدودی به کاربر جوان ایرانی اجازه می‌دهد که مرزهای بیشمار جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی موجود در دنیای واقعی خود را کم‌تر احساس کند و در مواردی با تلاش خود قدری از آنها عبور نماید و یا حتی در برخی موارد اندکی آنها را جابجا کند. بدین ترتیب استقلال فردی، آزادی و قدرتمندی بیش‌تری را نیز در این فضا و دنیای واقعی تجربه کند. کاربران جوان ایرانی در فضای مجازی و در مواجهه با افراد و محیط‌هایی که از لحاظ زمانی و مکانی دور از محیط زندگی روزمره آنهاست و در پرتوی دسترسی به اطلاعات گسترده از محیط‌هایی که هرگز شخصاً امکان تماس یا آشنایی مستقیم با آنان را نداشته‌اند، و کنش متقابل با شنوندگان ناشناس بدون برنامه‌ریزی معین در منتهای ناشناخته، حس اعتماد به نظام‌های نامریی موجود در اینترنت و احساس بیم و اضطراب ناشی از شناور و سیال بودن همه چیز در این فضا و هم‌چنین قابل شناسایی و کنترل نبودن افراد بعلت عدم حضور واسطه‌های جسمانی و فیزیکی را تاحدودی تجربه می‌نمایند.

در نهایت با عنایت به تمامی آنچه پیش از این ذکر آن رفت، می‌توان حضور در فضای مجازی (به عنوان پدیده‌ای تکنولوژیک و برآیند منطقی توسعه فن‌آوری مدرن و پاسخگو به نیازهای عینی و ذهنی این دست جوامع) را برای کاربران ایرانی، ذر حکم جوازی هرچند کم اعتبار برای ورود مشروط به دنیای مدرن دانست. حضور در فضای مجازی به تعبیر گیدنز، جغرافیای وضعی زندگی کاربران جوان ایرانی را دگرگون کرده است، و در وجهی متفاوت و در عرصه‌هایی متمایز اجازه مدرن بودن و مدرن زیستن را به آنان می‌دهد. البته نباید از نظر دور داشت که تمامی تأثیرات و تغییرات مذکور، بسته به میزان و نوع مصرف کاربر و ساختارهای ذهنی و عینی موجود در جهان واقعی وی عوامل متعدد و ناگفته دیگر نیز هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت بسیار متفاوت می‌باشد.

پیشنهادها

در این پژوهش همان‌طور که در جای جای آن، از آغاز تا انتها هویداست، سعی بسیار شده است که از قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و امکانات مخصوص فضای مجازی در تمامی مراحل کار از مشاهدات و مطالعات مقدماتی و زمینه‌ای گرفته تا جمع‌آوری و بررسی منابع نظری و آرای و عقاید مختلف پیرامون موضوع، طراحی و تکمیل پرسشنامه، مشاهده و انتخاب مصاحبه‌شوندگان و بسیاری فعالیت‌های کوچک و بزرگ دیگر بهره‌کافی و وافی برده شود. وابستگی این پژوهش بنا به موضوع و روش خود به فضای مجازی به حدی است که بی‌اغراق می‌توان گفت که بدون بهره‌گیری از امکانات فراوان فضای مجازی، انجام این پژوهش بسیار دشوار و تاحدی غیرممکن بود. در حقیقت می‌توان پژوهش فوق را در حکم سندی بر قابلیت‌ها و توانمندی‌های علمی - پژوهشی فضای مجازی در نظر گرفت، امکاناتی که متأسفانه در اجتماعات علمی کشور ما بنا به دلایل متعدد بسیار دور از دسترس است. در همین راستا محقق معتقد است که فروکاستن فضای مجازی صرفاً به فضایی در جهت رفع برخی نیازهای ارتباطی و

اطلاعاتی روزمره، دست کم توسط پژوهشگران، دانشجویان و اساتید علوم اجتماعی کشور به منزله محروم کردن جامعه‌شناسی ایران از فضایی بسیار مناسب برای انجام پاره‌ای پژوهش‌های اجتماعی با موضوعات مختلف خصوصاً در حوزه جوانان می‌باشد. در مجموع در فضای مجازی به علت وابستگی‌های خاص فضابودگی آن، در بسیاری موارد می‌توان بسیار آسانتر و کم هزینه‌تر از دنیای واقعی به تکرر و تنوع ارتباطات و اطلاعات مورد نظر و مطلوب طیفی از پژوهش‌های اجتماعی دست یافت و از آن‌ها در جهت پیشبرد شایسته‌تر اهداف این پژوهش‌ها دست کم در زمینه مطالعات مربوط به جوانان و ارتباطات اجتماعی بهره جست. از لحاظ روشی نیز اکیدا توصیه می‌شود که با توجه به پیچیدگی واقعیات اجتماعی در جهان امروز خصوصاً در کشورهای در حال گذار مثل کشور ما ایران و با عنایت به دشواری سنجش بسیار مفاهیم انتزاعی اجتماعی مانند هویت، همواره در این قبیل پژوهش‌های جامعه‌شناختی از ترکیب روش و داده‌های کمی و کیفی بطور توأمان بهره جست.

منابع

- حمدی، بابک. معمای مدرنیته، تهران: مرکز، ۱۳۸۰.
- باومن، زیگمونت. عشق سیال، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس، ۱۳۸۴.
- برگر، پیتر؛ لوکمان توماس. ساخت اجتماعی واقعیت، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.
- پیرسون، کریستوفر. معنای مدرنیته، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: کویر، ۱۳۸۰.
- تامپسون، جان بروکشایر. رسانه‌ها و نوگرایی: نظریه اجتماعی درباره رسانه‌ها، ترجمه کسمایی ایثاری، تهران: مؤسسه ایران، ۱۳۷۹.
- تاملینسون، جان. جهانی‌شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.

جنکینز، ریچارد. *هویت اجتماعی*، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران: شیرازه، ۱۳۸۱.

دریفوس، هیوبرت. *نگاهی فلسفی به اینترنت*، علی ملایکه، تهران: گام نو، ۱۳۸۳.
ذکایی، محمدسعید. «نظریه و روش در تحقیقات کیفی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۳۸۱.

ذکایی، محمدسعید. «جوانان و فراغت مجازی»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۶، ۱۳۸۳.

ریترز، جرج. *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۷.

کاستلز، مانویل؛ این مارتین. *گفت‌وگوهایی با مانویل کاستلز*، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جوافشانی، تهران، نی، ۱۳۸۴.

کسل، فلیپ. *چکیده آثار آنتونی گیدنز*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: ققنوس، ۱۳۸۳.

گیدنز، آنتونی. *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز، ۱۳۷۷.
گیدنز، آنتونی. *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی، ۱۳۷۸.
گیدنز، آنتونی. «پایان قرن بیستم»، ترجمه نیکو سرخوش، کتاب ماه علوم اجتماعی، ویژه نامه گیدنز، شهریور و مهر ۱۳۸۰، ۱۹۸۹.
لاپتن و دبورا. *بیم و مدرنیزاسیون تأملی*، مریم جاه‌رفعت، ارغنون، شماره ۱۸، ۱۳۸۰.

نوذری، حسینعلی. *مدرنیته و مدرنیسم*، تهران: نقش جهان، ۱۳۷۸.

- Bilton, Bonnet and Others. (2002). *Introductory sociology*. 4th edition. NewYork. Pal grave.

- Bryant Christopher and Jary David. (2003). *Anthony Giddens*. In Ritzer George (eds) "The Blackwell companion to major modern social Theorists".

Oxford. Black well.

- Frickers Ronald, schonlav Matias. (2002). *field methods*. vol.14, No.4. London. Sage.

- Hamman Robin B. (1996). *The role of Fantasy in the construction of the online other*. University of Essex.

- Johnson Allan. (1995). *The Blackwell dictionary of sociology*. Oxford. Blackwell.

- Lash Scott. (1993). *Reflexive modernization : the aesthetic dimension*. In waters Malcolm (ed.), *Modernity, critical concepts*. vol II. "cultural modernity". (1999). London. Routledge. p. 40-59.

- Miller Hugh. (1995). *the presentation of self in the electronic life*. Nottingham Trent university.

- Reingold Howard. (1993). *The virtual community*. in trend David (ed.) (2001). Reading digital culture. Oxford Blackwell

- Turkle Sherry . (1995). *Life on screen: Identity in the age of the internet*. NewYork. Simon and Schuster.

Turkle sherry. (1996). *Who Am we*. In trend David (ed.) (2001). Reading digital culture. Oxford. Black well.

- Wynn Eleanor , Katz James. (1998). *Hyperbole over cyberspace: social boundaries internet...* Indiana University. 297-328.